



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حفظت ان

سلاّم اللہ علیہا

بانومی ممتاز از نوادگان امام حسن علیہ السلام

نویسنده: محمد امینی گلستانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نفسه خاتون (ع) بانوی ممتاز از نوادگان امام حسن (ع)

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	نفیسه خاتون (ع) بانوی ممتاز از نوادگان امام حسن (ع)
۸	مشخصات کتاب
۱۲	فهرست موضوعات
۱۸	پیشگفتار
۲۰	نسب:
۲۲	نفیسه، دختر کیست؟
۲۷	حضرت نفیسه خاتون (س) را بشناسیم
۲۹	ماجرای بانویی که ۶ هزار بار ختم قرآن کرد
۳۰	همسر نفیسه خاتون (س) که بود؟
۳۰	شجره نامه حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها از منظر علمای انساب و مورخان:
۳۱	چرا نفیسه خاتون به مصر آمد؟
۳۲	ارادت مصریان به حضرت نفیسه خاتون و اجابت دعا در کنار مزارش
۳۳	حضرت نفیسه خاتون (س) از منظر علما و امتیازاتش
۳۵	ماجرای حفر قبر
۳۵	علم و ایمان در اثر بارقه غیبی
۳۶	طریقه توسل به نفیسه خاتون نوه امام حسن مجتبی (ع)
۳۶	کرامات نفیسه خاتون (س)
۳۶	اشاره
۳۷	۱- دختر زمین گیر مرد یهودی
۳۹	۲- مقنعه و آب نیل
۳۹	۳- جوان اسیر
۴۰	۴- پیرزن و دعای مستجاب

۴۳	نفیسه خاتون نخوانی از دست رفته
۴۳	اوقات باقداست
۴۶	در بستر بیماری
۴۸	میهمان قدسیان
۵۱	تاریخ درباره بارگاه نورانی این بانو
۵۳	نخستین کسی که بر قبر این بانو بارگاهی بنا کرد
۵۵	توسلات
۵۷	شرح اشتیاق
۶۲	برادران، خواهران و بازماندگان
۶۵	دوباره شرحی در حالات این بانوی بزرگوار
۷۱	زیارت نامه ی امام حسن مجتبی (ع)
۷۳	طریقه توسل به کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی
۷۴	بانوان نمونه
۷۴	۱ بخش اول: فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرشته زمین
۷۷	۲ بخش دوم: حوّا بانوی بهشتی
۷۸	۳ بخش سوم: بلقیس بانوی زمامدار
۷۸	۴ بخش چهارم: هاجر شکوه شکیبایی
۷۹	۵ بخش پنجم: آسیه الگوی مقاومت
۸۱	۶ بخش ششم: حضرت مریم سلام الله علیها) اسوه نجابت و عفاف
۸۳	۷ بخش هفتم: حضرت آمنه (سلام الله علیها)، آغوش امین
۸۳	۸ بخش هشتم: حضرت خدیجه شکوه زندگی
۸۴	۹ بخش نهم: امّ سلمه همسفر خورشید
۸۸	۱۰ بخش دهم: فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع)
۹۱	۱۱ بخش یازدهم: فضا همراز زهرا

- ۹۴ ۱۲ بخش دوازدهم: اسماء بنت عمیس، منادی
- ۹۴ اشاره
- ۹۵ حدیث
- ۹۶ ادامه موضوعات این بخش:
- ۹۸ ۱۳ بخش سیزدهم: فاطمه بنت الحسن؛ کوثر ثانی
- ۹۸ اشاره
- ۱۰۰ ادامه دیگر سرفصلها:
- ۱۰۱ ۱۴ بخش چهاردهم: امّ فروه، مادر امام صادق (علیه السلام)
- ۱۰۱ اشاره
- ۱۰۲ بخش های دیگر کتاب:
- ۱۰۴ ۱۵ بخش پانزدهم: حمیده مصفاة مادر امام کاظم
- ۱۰۶ ۱۶ بخش شانزدهم: سیده نفیسه؛ شکوفه ای در گلستان عترت
- ۱۰۷ ۱۷ بخش هفدهم: نرگس؛ همدم خورشید
- ۱۰۷ اشاره
- ۱۰۸ «از نرگس خاتون»
- ۱۱۰ مصادر و منابع بیواسطه و باواسطه کتاب
- ۱۱۶ درباره مرکز

نفسیه خاتون (ع) بانوی ممتاز از نوادگان امام حسن (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه : امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : نفسیه خاتون (ع) بانوی ممتاز از نوادگان امام حسن (ع) / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر : قم: سپهر آذین، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۰۵ ص.

موضوع : نفسیه خاتون (ع)

ص: ۱

ص: ۵

فهرست موضوعات

محمد امینی گلستانی ۱

شناسنامه ۴

فهرست موضوعات ۵

نفیسه خاتون (ع) ۹

پیشگفتار ۹

نسب: ۱۱

نفیسه، دختر کیست؟ ۱۳

حضرت نفیسه خاتون (س) را بشناسیم ۱۸

ماجرای بانویی که ۶ هزار بار ختم قرآن کرد ۲۰

همسر نفیسه خاتون (ع) که بود؟ ۲۱

شجره نامه حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها ۲۱

ص: ۶

از منظر علمای انساب و مورخان: ۲۱

چرا نفیسه خاتون به مصر آمد؟ ۲۲

ارادت مصریان به حضرت نفیسه خاتون و اجابت ۲۳

دعادر کنار مزارش ۲۳

حضرت نفیسه خاتون) س (از منظر ۲۳

علما و امتیازاتش ۲۳

ماجرای حفر قبر ۲۵

علم و ایمان در اثر بارقه غیبی ۲۶

طریقه توسل به نفیسه خاتون نوه امام حسن ۲۷

مجتبی) ع (.....) ۲۷

ص: ۷

- کرامات نفیسه خاتون) س (..... ۲۷
- ۱- دختر زمین گیر مرد یهودی ۲۸
- ۲- مقنعه و آب نیل ۲۹
- ۳- جوان اسیر ۳۰
- ۴- پیرزن و دعای مستجاب ۳۱
- نفیسه خاتون نخوانی از دست رفته ۳۳
- اوقات باقداست ۳۴
- در بستر بیماری ۳۷
- میهمان قدسیان ۳۹
- تاریخ درباره بارگاه نورانی این بانو ۴۲
- نخستین کسی که بر قبر این بانو بارگاهی بنا کرد ۴۴
- توسلات ۴۶
- شرح اشتیاق ۴۸
- برادران، خواهران و بازماندگان ۵۳
- دوباره شرحی در حالات این بانوی بزرگوار ۵۶
- زیارت نامه ی امام حسن

ص: ۸

مجتبی (ع) ۶۲

طریقه توسل به کریم اهل بیت حضرت امام حسن ۶۳

مجتبی (ع) ۶۳

شرح مختصری درباره تعدادی بانوان نمونه ۶۴

بخش اول: فاطمه زهرا) سلام الله علیها (فرشته ۶۴

زمین ۶۴

بخش دوم: حوا بانوی بهشتی ۶۶

بخش سوم: بلقیس بانوی زمامدار ۶۷

بخش چهارم: هاجر شکوه شکیبایی ۶۸

بخش پنجم: آسیه الگوی مقاومت ۶۹

بخش ششم: حضرت مریم) سلام الله علیها (اسوه ۷۰

نجابت و عفاف ۷۰

بخش هشتم: حضرت خدیجه شکوه زندگی ۷۳

بخش نه م: ام سلمه همسفر خورشید ۷۴

ص: ۹

بخش دهم: فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع) ۷۷

بخش یازدهم: فضه همراز زهرا ۸۱

بخش دوازدهم: اسماء بنت عمیس، منادی ۸۴

حدیث ۸۴

بخش سیزدهم: فاطمه بنت الحسن؛ کوثر ثانی ۸۸

بخش چهاردهم: امّ فروه، مادر امام صادق (علیه ۹۱

السلام) ۹۱

بخش پانزدهم: حمیده مصفاة مادر امام کاظم ۹۴

بخش شانزدهم: سیده نفیسه؛ شکوفه ای در ۹۶

گلستان عترت ۹۶

بخش هفدهم: نرگس؛ همدم خورشید ۹۷

«از نرگس خاتون» ۹۸

مصادر و منابع بیواسطه و باواسطه کتاب، ۱۰۰

ص: ۱۰

تقدیم

به روان پاک فرزند دل‌بند جوان مرگم حجه

الاسلام آقای دکتر حاج حسن امینی گلستانی رحمه الله علیه از خدای متعال شادی روح و محشور شدن با ائمه بزرگواران خود،
برای او و برادر جوانمرگ ۱۹ ساله ام

احمد مسئلت می‌نمایم.

پدر و برادر داغ‌دیده محمد امینی گلستانی.

ص: ۱۱

نفیسه خاتون (ع).

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در جهان آفرینش، هر موجودی نسبت به خود، حد و مرزی دارد، از ستارگان گرفته تا شن ریزه، ولی دو چیز بی حد و مرز است ۱- علم ۲- ایمان، این دو حد و مرزی ندارد نه نسبت به حاملانش، عرب باشند یا عجم و نه سیاه و سفید و نه در به دست آوردن علم و کسب ایمان و تقرب به خدا.

در به دست آوردن این دو در مدت عمر خود هرچه تلاش کنی، روز بروز بیشتر می شود و به انتهای آن نتوان رسید.

در تاریخ می بینیم یک عجمی خود را بجائی می رساند رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره او می فرماید:

السلمان منا اهل البيت و فرمود: بهشت به چهار نفر مشتاق است علی، سلمان، اباذر، مقداد و امثال این

ص: ۱۲

شخصیت‌ها که خود را بجائی می‌رسانند که خداوند به وجودشان افتخار می‌نماید.

در برابر اینان، فرزند یک پیغمبر الوالعزم مانند کنعان بن نوح و پسر امام و عموی اما و برارد مانند جعفر کذاب یا عبدالله افطح و. و. خود را بنوعی خود را غرق گناه و معصیت می‌کنند که از خاندان نبوت و امامت دور انداخته می‌شوند.

در این مجموعه کوچک در باره بانوئی صحبت می‌کنیم که در اثر عبودیت و بندگی، خود را به درجه ای بالا کشید که خداوند او را مورد توجه خویش قرار داد که هم از جهت علم و دانش و هم از جهت ایمان (جز حجت الهی زمان خود) سرآمد زمان خویش گردید.

این بانوی بزرگوار نیره امام حسن مجتبی علیه السلام، (نفیسه دختر حسن فرزند زید پسر امام حسن علیه السلام) می‌باشد.

۱- ۳۰ یا ۳۵ مرتبه به حج مشرفشد بیشتر پیاده و کمتر سواره.

۲- چهل سال قائم اللیل و صائم الیه ار بود، شب نخواید و روز افطار نکرد.

۳- قبری که بادت خود کرده بود بنا بروایتی شش هزار مرتبه در آن ختم قرآن نمود.

۴- از سوی خداوند، صاحب کرامات شگفت آور گردید.

۵- مورد توجه و احترام زن و مرد و بزرگ و کوچک و صاحب مقامات و اشخاص عادی گردید.

ص: ۱۳

و فضایل دیگر که در لابلای این نوشته ها خواهید دید.

خدایا به احترام مقربین درگاهت خاصه به احترام محمد و آل محمد، ما را عاقبت بخیر و تا دم مرگ دست ما را از دامن خود و محمد و آل محمد علیهم السلام، کوتاه نفرما آمین یارب العالمین.

نسب:

ریشه پاک شکوفه طاهر

امام حسن مجتبی (ع)، از همسرش ام بشیر صاحب سه فرزند به نامهای: زید، ام الحسن و ام الحسین گردید.

زید بن حسن، لبابه دختر عبیدالله بن عباس را به همسری خویش برگزید. زید از لبابه صاحب دو فرزند شد؛ حسن و نفیسه. زید در سن ۹۰ سالگی در منطقه بطحا واقع در شش منزلی مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد. از ابومحمد حسن بن زید، هفت پسر و دو دختر باقی ماند.

بنا به این گفتار نفیسه دختر زید بن الحسن ع است ولی.

بنا بقول اکثر تاریخ نویسان

یازدهم ربیع الاول سال ۱۴۵ ه. ق بود و مسلمانان خود را مهیای جشن میلاد حضرت رسول اکرم (ص) می ساختند که در خانه حسن انور دختری به نام «نفیسه»

ص: ۱۴

متولد شد. خانه ای که نفیسه در آن اقامت داشت در غرب مدینه و درست مقابل خانه امام صادق (ع) بود.

هنگامی که نفیسه پانزده سال داشت «اسحاق موتمن»، فرزند امام صادق (ع) به خواستگاری او آمد و گویا وی در مقابل این تقاضا پاسخ روشنی از حسن انور نشنید. اسحاق با اندوه به مزار رسول اکرم (ص) رفت و عرض کرد: یا رسول الله! من نفیسه را به دلیل تدین، پاکدامنی و شرافت خانوادگی برگزیدم که تقاضایم بدون جواب مانده است!

همان شب حسن انور، حضرت محمد (ص) را در خواب مشاهده کرد که فرمود: «ای حسن! نفیسه را به ازدواج اسحاق درآور». پس از آن در ماه رجب سال ۱۶۱ ه. ق آن دو گوهر تابناک به ازدواج هم درآمدند.

اسحاق، انسان پرهیزکار، فاضل و مورد وثوق در حدیث معرفی شده است و به دلیل شهرت در امانت، او را «موتمن» گفته اند. گفته اند: حاصل ازدواج اسحاق با سیده نفیسه، دو فرزند به نام های قاسم و ام کلثوم است.

زندگی نفیسه در مدینه و در جوار حرم نبوی برکات بسیاری برایش داشت، اما پس از شهادت امام هفتم و با آغاز امامت امام رضا (ع) فشار دولت عباسی بر شیعیان همچنان ادامه داشت. (۱)

ص: ۱۵

نقیسه، دختر کیست؟

محمّد الصبان در کتاب «اسعاف الراغبین» از کتاب «حسن المحاضر» نقل می‌کند که، نقیسه دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می‌باشد.

یاقوت حموی، جغرافی دان مسلمان در کتاب «معجم البلدان» (ج ۵/ ص ۶۰۴) می‌نویسد: «بمصر من المشاهد و المزارات، بین مصر و القاهره، قبه قیل انه ا قبر السیده نفیسه بنت الحسن بن زید بن حسن علیه السلام؛ در مصر و قاهره، گنبد و بارگاهی است که می‌گویند قبر سیده نقیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می‌باشد.

عمر رضا کحاله در کتاب خود به نام «اعلام النساء» (ج ۵/ ص ۱۸۵) می‌نویسد: «نقیسه بنت الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، هی من ربات العبادت و الصلاح و الزهد و الورع، ولدت بمکه سنت ۱۴۵ هـ. ق و نشأت بالمدينه و دخلت مصر مع زوجها اسحاق بن جعفر الصادق علیه السلام، و قیل ابها الحسن الذی عُیِّنَ والیاً علی مصر من قبیل ابی جعفر

ص: ۱۶

المنصور)؛ نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام، از زنان مشهور در عبادت، صلاح، زهد و ورع بوده که در مکه معظمه در سال ۱۴۵ هجری به دنیا آمده و نشو و نمای او در مدینه مکرمه بوده است. ایشان با همسر خود جناب اسحاق پسر امام جعفر صادق علیه السلام وارد مصر شد.

از این رو، اکثر مورخان اتفاق نظر دارند که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید می باشد. مولف کتاب اعلام النساء المومنات (ص ۶۲۶) و مشاهد العترة الطاهرت (ص ۲۳۹) می نویسد: «توفیت بمصر نفیسه بنت الحسن بن زید بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام» و هم چنین مولفان کتاب های وفيات الاعیان (ج ۵ / ص ۴۲۳)، نور الابصار (ص ۲۴۴)، روح و ريحان (ص ۱۰۳)، سراج الانساب (ص ۳۵)، ريحان الشريعة (ج ۵ / ۱۸۵)، منتهی الآمال (ج ۲ / ص ۹۹۲) و تتمه المنتهی (ص ۱۸۸)، تصریح نموده اند که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می باشد.

گفته شده است که ورودش به مصر، همراه پدر خود حسن بن زید بود. زیرا وی از طرف منصور دوانقی حاکم مصر شد و لذا فرزندان خود را به آنجا انتقال داد.

خانمی جلیل القدر است که روایت هایی در مدح او وارد شده است.

دلایلی که ثابت می کند که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می باشد نه دختر زید بن حسن

ص: ۱۷

علیه السلام:

۱- تمام مورخان در تاریخ تولد و وفات حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها اتفاق نظر داشته و می نویسند که او در سنه ۱۴۵ ه. ق. در مکه معظمه به دنیا آمده و در سال ۲۰۸ هجری در مصر وفات یافته است. از این رو، قول کسانی که این سیده جلیله را همسر ولید بن عبدالملک بن مروان دانسته اند، اشتباه می باشد، زیرا ولید در سنه ۹۶ ه. ق. از دار دنیا رفته است.

برخی مورخان، حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها را به اشتباه، خواهر حسن بن زید بن حسن علیه السلام و دختر زید بن حسن دانسته اند، در حالی که ایشان خواهر زید بن حسن بن زید بن امام حسن و دختر حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام بوده است.

علامه سید محسن امین قدس سره در «اعیان الشیعه» (ج ۷/ ص ۹۶) می نویسد: و فی هامش التهذیب علی ترجمت زید بن حسن بن زید بن حسن بن علی.. انه اخو السیده النفیسه. در حاشیه تهذیب در ترجمه زید بن حسن بن زید بن حسن بن علی نوشته که او برادر سیده نفیسه می باشد.

شکی نیست که حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها دختر حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام و عمه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام است؛ اما عده ای از علمای انساب و مورخان، او را دختر زید بن حسن علیه السلام دانسته اند که علی التحقیق اشتباه می باشد و رد آن بیان خواهد شد.

ص: ۱۸

اگر قائل شویم که حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها همسر ولید بن عبدالملک بن مروان بوده و بعد از وفات وی به عقد اسحاق بن امام جعفر صادق علیه السلام درآمده است، همان طور که مولف کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه السلام این مطلب را ادعا نموده است، لازم می آید که ایشان دختر زید بن حسن علیه السلام (نوه امام حسن علیه السلام است نه نبیره با دو واسطه) باشد.

و حال آن که بیشتر مورخان، حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها را دختر حسن بن زید نوشته اند. اضافه بر این، چون وفات این بانو در سال ۲۰۸ هجری اتفاق افتاده است، پس نمی توان پذیرفت که ایشان حدود ۱۴۰ سال عمر کرده باشد.

از سوی دیگر جمعی از مورخان و محدثین بزرگ، تاریخ ولادت حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها را سنه ۱۴۵ هجری نوشته اند که هیچ تردیدی باقی نمی ماند که ایشان دختر حسن بن زید و همسر اسحاق پسر امام جعفر صادق علیه السلام بوده است.

مؤلف «عمده الطالب» به نقل از «ریاض الانساب» (ج ۱ / ص ۱۰۱) می نویسد: زید بن حسن علیه السلام با لبابه دختر عبدالله بن عباس ازدواج کرد و از او دو فرزند، یکی پسر که او را حسن نامید و دیگری دختر و او را نفیسه نام نه اد، به دنیا آمد. نفیسه را ولید بن عبدالملک تزویج کرد و از وی فرزندی آورد. چون زید بر ولید بن عبدالملک درآمد او را بر سریر خویش جای داد و سی هزار دینار دفعه واحده به او عطا نمود.

ص: ۱۹

اما جمعی دیگر از مورخان، نفیسه خاتون را دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام دانسته و نام همسر وی را هم اسحاق المؤمن فرزند امام جعفر الصادق علیه السلام می دانند، و در باره تاریخ تولد و وفات ایشان هم اتفاق نظر دارند.

۲- چگونه می توان پذیرفت که حضرت نفیسه، همسر ولید بن عبدالملک باشد، حال آن که بعد از وفات حضرت نفیسه سلام الله علیها به سال ۲۰۸ هجری در مصر، اسحاق بن امام جعفر صادق علیه السلام خواست آن جسد شریف را به مدینه منوره حمل کند و در قبرستان بقیع دفن نماید. این خود دلیلی قوی است بر این که حضرت نفیسه خاتون، دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام بود، زیرا اسحاق موتمن هم عصر با حضرت نفیسه خاتون بوده و چون هم کفو بودند، باهم ازدواج نمودند و ثمره این وصلت، دو فرزند بوده که به اتفاق جمیع مورخان به همراه اسحاق به مدینه طیبه بازگشتند.

در همین رابطه محدث کبیر، حاج شیخ عباس قمی قدس سره در کتاب «منتهی الآمال» در ادامه حالات فرزندان امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: بدان که زوجه اسحاق بن جعفر الصادق علیه السلام، علیا مخدره نفیسه بنت حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است که به جلالت شأن معروف است.

ایشان در سنه ۲۰۸ در مصر وفات کرد و در آن جا به

ص: ۲۰

خاک سپرده شد.

مصریان اعتقادی کاملی به او دارند و معروف است که دعا در نزد قبر او مستجاب می شود.

شیخ ذبیح الله محلاتی هم در کتاب «ریاحین الشریعه» می نویسد: سیده نفیسه بنت حسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در خاک مصر مدفون است، مزارش زیارتگاه خاص و عام می باشد و به طاهره و کریمه الدارین مشهور است.

پس با دلایل فوق ثابت شد که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام بود و قول کسانی که این سیده جلیله را دختر زید بن حسن علیه السلام دانسته اند، صحیح نیست.

حضرت نفیسه خاتون (س) را بشناسیم

آن چه در پی می آید، بخش نخست شرح حال و فضایل عالمه ای است که خود معلم ده ها عالم و متعلم علوم آن محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود و در طول عمرش (یا درقبری که برای خودش کنده بود) شش هزار بار ختم قرآن کرد و در هنگام قرائت قرآن و با زبان روزه روح پاکش به دیار دوست شتافت. (۱)

۱- گفتنی است، بخش پایانی این نوشتار مستند که به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی بحرالعلوم به نگارش درآمده است، در شماره آتی افق حوزه، تقدیم خوانندگان ارجمند می شود.

ص: ۲۱

حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها دختر جناب حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام و عمه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، در سنه ۱۴۵ هجری قمری.

در مکه معظمه متولد شد و در مدینه منوره با زهد و عبادت به سر برد.

ایشان با اسحاق الموتمن، پسر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ازدواج کرد و از آن صلب پاک، یک پسر و یک دختر به نام های قاسم و ام کلثوم به دنیا آورد.

گفته شده است که ایشان با شوهر و فرزندان خود از مدینه به مصر رفته و هفت سال در آن جا به سر برد و در ماه رمضان سنه ۲۰۸ ه.ق، در سن ۶۳ سالگی به سرای قرب الهی شتافت.

به علت وفات این جلیله مخدره، ماتم بزرگی سراسر مصر را فرا گرفت و این روز از ایام مشهور روزگار شد.

با اعلام این خبر از بلاد و نواحی اطراف، مردان و زنان برای تشییع جنازه آن مخدره به مصر آمدند و دسته دسته بر وی نماز گذاشتند.

در آن شب به احترام این سیده جلیله، شمع ها برافروخته شد و از هر خانه که در مصر بود، صدای گریه و شیون به گوش می آمد و تأسفی عظیم بر مردم مصر

ص: ۲۲

هویدا شد.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره در منتهی الآمال (ج ۲ / ص ۳۰۰) به نقل از «تاریخ طبری» (ج ۵ / ص ۱۷۴) می نویسد: هنگامی که نفیسه خاتون رحلت نمود، اسحاق بن جعفر الصادق علیه السلام خواست بدن همسرش را از مصر به مدینه آورد و در بقیع به خاک سپارد. مردم نزد امیر شهر رفتند تا وی اسحاق را از این امر باز دارد، اما اسحاق نپذیرفت.

مصریان اموال بسیاری برای او جمع کردند تا از آن اندیشه برگردد، اسحاق هم چنان قبول ننمود. مردم مصر شب را با اندوه و سختی به روز آوردند و چون بامداد رسید، خدمت اسحاق جمع شدند و حال او را دگرگون دیدند. سبب را از او سؤال کردند، گفت: دیشب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را در خواب دیدم که به من فرمودند: «اموال ایشان را رد کن و سیده نفیسه را نزد ایشان دفن نما، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تنزل علیهم ببر کاتها؛» رحمت خدا به برکت وجود خانم بر اهل مصر نازل می شود».

سرانجام سیده را در مزار «درب السباع» دفن کردند و اسحاق المؤمن با دو فرزند خود عازم مدینه شد.

ماجرای بانویی که ۶ هزار بار ختم قرآن کرد

کنکاش در شرح حال عالمه ای که خود، معلمه ده ها عالم و متعلم علوم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم بود و

ص: ۲۳

در طول عمرش شش هزار بار ختم قرآن کرد و در هنگام قرائت قرآن و با زبان روزه روح پاکش به دیار دوست شتافت، در عصر قحطی معنویت، اسوه زندگی بشر امروز است.

همسر نفیسه خاتون (س) که بود؟

چنانکه در بالا- گفتیم جمعی از مورخان، نفیسه خاتون را دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام دانسته و نام همسر وی را هم اسحاق المؤمن فرزند امام جعفر الصادق علیه السلام می دانند، و در باره تاریخ تولد و وفات ایشان هم اتفاق نظر دارند.

شجره نامه حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها از منظر علمای انساب و مورخان:

شجره نامه حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها از منظر علمای انساب و مورخان:

مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله علیه در

ص: ۲۴

کتاب «سفینة البحار» (ج ۲/ ص ۶۰۴) می نویسد:

«نفیسه هی السیّده الجمیله التي وردت روایات فی مدحها، حکى الشيخ محمد الصبان فی اسعاف الراغبین عن کتاب حسن المحاضر، انّ السیّده النفیسه بنت الحسن بن زید بن الحسن المجتبی علیه السلام؛ نفیسه، خانمی جلیل القدر است که روایت هایی در مدح او وارد شده است. محمّد الصبان در کتاب «اسعاف الراغبین» از کتاب «حسن المحاضر» نقل می کند که وی دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می باشد.

چرا نفیسه خاتون به مصر آمد؟

ایشان با همسر خود جناب اسحاق پسر امام جعفر صادق علیه السلام وارد مصر شد. گفته شده است که ورودش به مصر، همراه پدر خود حسن بن زید بود. زیرا وی از طرف منصور دوانقی حاکم مصر شد و لذا فرزندان خود را به آنجا انتقال داد. از این رو، اکثر مورخان اتفاق نظر دارند که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید می باشد.

چنانکه قبلاً گفتیم، مولف کتاب اعلام النساء المومنات (ص ۶۲۶) و مشاهد العتره الطاهره (ص ۲۳۹) می نویسد: «توفیت بمصر نفیسه بنت الحسن بن زید بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام» و هم چنین مولفان کتاب های وفیات الاعیان (ج ۵/ ص ۴۲۳)، نور الابصار (ص ۲۴۴)، روح و ریحان

ص: ۲۵

(ص ۱۰۳)، سراج الانساب (ص ۳۵)، ریاحین الشریعه (ج ۵/۸۵)، منتهی الآمال (ج ۲/ص ۹۹۲) و تتمه‌المنتهی (ص ۱۸۸)، تصریح نموده اند که نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن علیه السلام می باشد.

پس آمدن این بانو بمصر، همراه پدر بوده است.

تشریف فرمایی سیده نفیسه سلام الله علیها به مصر در سال ۱۹۳ بود. اهل مصر چون خبر ورود او را شنیدند، از آن جایی که ارادتی خاص به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داشتند، از زن و مرد به استقبالش شتافتند و در ملازمت حضرتش بودند تا این که در سرای «جمال الدین عبدالله بن جصاص» که از کبار تجار و از صلحای مصر بود، منزل ساخت و مدتی در آن جا سکونت کرد، ریاض الشریعه ۵/۹۰؛

پس از چندی در منصوبه، خانه «ام خانی» سکونت اختیار نمود.

ارادت مصریان به حضرت نفیسه خاتون و اجابت دعا در کنار مزارش

مصریان اعتقادی کامل به او دارند و معروف است که دعا در نزد قبر او مستجاب می شود.

شیخ ذبیح الله محلاتی هم در کتاب «ریاحین الشریعه» می نویسد: سیده نفیسه بنت حسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در خاک مصر مدفون است، مزارش زیارتگاه خاص و عام می باشد و به

ص: ۲۶

طاهره و کریمه‌الدارین مشهور است.

حضرت نفیسه خاتون (س) از منظر علما و امتیازاتش

همان طوری که در مباحث قبل اشاره شد،

۱- حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها به زهد و عبادت و صیام روزها و قیام شب‌ها مشهور روزگار خود بود.

۲- او صاحب مال زیاد بود، لذا به درماندگان، مریضان و عموم مردم احسان می‌کرد.

۳- سی مرتبه به حج مشرف شد که بیشتر آن پیاده بود.

در مسجدالحرام در حالی که پرده‌های خانه خدا (کعبه) را می‌گرفت، اشک می‌ریخت و ناله و فریاد می‌کرد، و این جملات را می‌گفت: الهی و سیدی و مولای متّعی و فرّحنی برضاک عنی..

۴- زینب دختر یحیی متّوج در باره عبادت او می‌گوید:

«چهل سال در نزد عمّه ام نفیسه خاتون خدمت می‌کردم و هرگز ندیدم که وی شب‌ها بخوابد و روزها افطار کند. به او گفتم: اما ترفیقین بنفسک؟ قالت: کیف أرفق بنفسی و قدّامی عقبات لا یقطعها الاّ الفائزون؛ منتهی الآمال ۲/۲۹۹؛ آیا مراعات حال خود را نمی‌کنی؟! در جواب گفت: چگونه مراعات کنم در حالی که پیش روی من عقباتی است که جز رستگاران نمی‌توانند آن را ببینند.

۵- شش‌هزار بار ختم قرائت قرآن نمود.

۶- قبری در خانه خود کند و در آن دعا و مناجات می‌کرد و در آن شش

ص: ۲۷

هزار مرتبه ختم قرآن نمود.

و در حالات آن مخدره چنین گفته اند: بسیار زاهد و متقی بود و در حال احتضار روزه دار بود و جمعی از او خواستند که روزه اش را افطار کند، در جواب گفت:

سبحان الله، سی سال است که از خدا مسألت دارم صائم از دنیا بروم، چگونه از آرزوی سی ساله ام دست بکشم؟

حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها نزد عرب ها «سیده» و «ست نفیسه» که به معنای «خانم» است، خوانده می شود. همان طور که گفته شد، تولد ایشان را به سال ۱۴۵ هجری قمری، همزمان با سال شهادت محمد و ابراهیم، پسران عبدالله محض فرزند حسن مثنی نوشته اند

ایشان در وقت احتضار این اشعار را مترنم بود:

اصرفوا عنی طیبی***و دعونی و حییبی

زادنی شوقی الیه***و عزامی فی لهیب

طاب هتکی فی هواه***بین واش و رقیب

لا ابالی بفوات***حین قد صار نصیبی

لیس من لام بعذل***عنه فیه بمصیب

جسدی راض بسقمی***وجفونی بنحیبی

«طیبیم را از من دور کنید و مرا با حییبم وا گذارید چرا که اشتیاقم به سوی او شدت یافته و عشق و محبت من اکنون این است که در لهیب سوزان او بگدازم. از میان رفتن آبرویم

در میان جمعی سخن چین و رقیب در عشق و هوای حییبم بر من

ص: ۲۸

گواراست و چون به معشوق خود می رسم اگر احیاناً چیزی از دستم برود باکی ندارم. کسی که مرا از علاقه به او ملامت کند هرگز دستش به دامن او نمی رسد. بدنم به ناتوانی و بیماری خشنود است و از این بابت گلایه ای ندارد، آن گاه این غافلان به من فشار می آورند که باید بدنت را حفظ کنی

ماجرای حفر قبر

نوشته اند که حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها به دست خود قبرش را حفر کرد و همه روزه در میان آن می رفت و نماز می گزارد و قرائت قرآن می نمود، طوری که شش هزار ختم قرآن در آن به اتمام رساند. در وقت احتضار، که بعد از هفت سال اقامت در مصر بود، بیمار شد و به بستر مرگ افتاد، روزه دار بود و قرآن قرائت می کرد و در هنگام قرائت سوره مبارکه انعام چون به این آیه شریفه رسید «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ» انعام ۶؛ دار دنیا را وداع گفت.

علم و ایمان در اثر بارقه غیبی

سیده نفیسه سلام الله علیها، بر اثر پرهیزگاری و اطاعت از پروردگار به ارتقای روحی و تکامل معنوی دست یافت.

ارمغان این توفیق، نوری بود که بر خانه دلش تابید و آن را روشن و تابناک ساخت و این ویژگی موجب شکوفایی استعدادهای عالی وی گشت و بعد متعالی وجودش را فضیلت بخشید و بر علم و معرفتش افزود و به قول حضرت علی علیه السلام که می فرمایند: العلم محیی النفس) دانش روح را زنده می کند،

ص: ۲۹

یادآور می شود که سیده نفیسه در هیچ مکتب و مجلسی به تحصیل علم اقدام نکرد، بلکه به دلیل تزکیه و تهذیب نفس، قلبش از هر جهت صیقلی شد و صلاحیت لازم را به دست آورد و از علم الهامی بهره مند گشت؛ دانشی که به جهت وجود استحقاق و اقتضای حکمت و مشیت بالغه الهی بر دل شایسته اش تأیید و آن را بارور از علوم، معارف و معانی کرد.

یکی از کسانی که موفق گردید از چشمه معارف سیده نفیسه سلام الله علیها جرعه نوشی کند، محمد بن ادریس شافعی می باشد. وی همواره از سیده نفیسه استفاده های علمی و معنوی می برد و هنگامی که برای تدریس به مسجد فسطاط می رفت، در سر راهش در منزل این بانو توقف می کرد و از او اخذ حدیث می نمود.

طریقه توسل به نفیسه خاتون نوه امام حسن مجتبی (ع)

با هدیه ۱۱۴ صلوات و یک حمد و یازده مرتبه توحید

به پیشگاه مبارک حضرت نفیسه خاتون (نواده امام حسن مجتبی علیهماالسلام)

هم اثر عجیب آن را در برآورده شدن حاجتهای خود ببینید.

کرامات نفیسه خاتون (س)

اشاره

ص: ۳۰

اخبار سیده نفیسه سلام الله علیها و کرامات او در کتاب های بسیاری شرح داده شده است و کرامات زیادی از آن حضرت نقل کرده اند. کتابی در مآثر ایشان موسوم به «مآثر النفیسه» نوشته شده است.

در ذیل کراماتی از سیده نفیسه سلام الله علیها و یک نمونه از اشعاری که در مدح آن حضرت سروده شده است را به جهت تبرک و تیمن از کتاب «ریاحین الشریعه» (۵/۹۴)؛ تقدیم خوانندگان عزیز می نمایم:

یا من له فی الکون من حاجه***علیک بالسیده الطاهره

نفیسه و المصطفی جدّها سرارها بین الوری ظاهره

فی الشرق و المغرب لها شهره***انوارها ساطعه باهره

کم من کرامات لها قد بدت***و کم مقامات لها فاخره

یا حبذا سیده شرفت***بها اراضی مصرها و القاهره بنفسها قد حضرت قبرها

خال حیاه یالها حافره***تتلوا کتاب الله فی لحدها

و هی لمن قد زارها ناظره***حجت ثلاثین علی رجلها

صائمۀ عن اکلها قاصره***یسقی بها الغیث اذام القری

قد اجدبت من سجّها الماطره***والشافعی قد کان یاتی لها

سعی الی دار بها غامره***یرجو بان تدعوا له دعوه

فیالها من دعوه وافرّه***صلت علیه بعد موت و قد

اوصی بذاهی له شاكره***سبحان من اعلی لها قدرها

لأنه ا بین الوری نادره

۱- دختر زمین گیر مرد یهودی

ص: ۳۱

در جوار منزل حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها، مردی یهودی می زیست که دختری زمین گیر داشت و دخترک نیروی ایستادن نداشت. روزی مادرش قصد گرمابه نمود و خواست دخترش را همراه خود ببرد، ولی دخترش به جهت ناتوانی پاهایش، قادر به حرکت نبود، لذا به مادر گفت که توان این کار را ندارم. مادر گفت: تنها در خانه می مانی تا من برگردم. دختر گفت:

نمی توانم، زیرا از تنهایی وحشت دارم. دختر به مادر خود پیشنهاد داد که مرا به خدمت این سیده شریفه که در همسایگی ماست ببر تا از گرمابه مراجعت کنی.

چون مادر دخترک این سخن را شنید به خدمت سیده نفیسه رفت و از آن علیا مخدّره خواست تا دختر را نزد خود بپذیرد؛ نفیسه خانم هم درخواست او را پذیرفت.

زن یهودیه دختر خود را به خانه حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها آورد و در اتاقی گذاشت و خود عازم گرمابه شد. چون هنگام نماز رسیده بود، حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها آبی برای وضو آماده ساخت و با آن وضویی ساخت. ترشحاتی از آب وضوی آن حضرت بر اعضای دختر یهودی پاشیده شد و دخترک به برکت آن عافیت یافت. هنگامی که زن یهودی از گرمابه برگشت، دخترش برای استقبال، با پای خود به سوی مادر دوید. وقتی مادر این حالت را دید، سبب را از دخترش پرسید. دختر اظهار نمود که از برکت آب وضوی سیده نفیسه، پای فلجم شفا یافت. مادر دخترک و دیگر بستگان او پس از دیدن این کرامت، شهادتین را

ص: ۳۲

جاری کردند و اسلام آوردند.

۲- مقنعه و آب نیل

حکایت کرده اند که وقتی در زمان سیده نفیسه سلام الله علیها رود نیل کم آب شد، اهالی به خدمت سیده نفیسه رفته و از او دعایی خواستند.

حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها هم مقنعه خود را به آنان داد و امر فرمود که آن را در دریا بیفکنند تا به برکت آن عنایتی از طرف ربّ الارباب شود. اهالی مصر به فرموده سیده نفیسه خاتون عمل کردند و مقنعه آن بانوی مکرمه را به رود نیل انداختند. هنوز از آن مکان دور نشده بودند که، آب رود افزایش یافت و بالا آمد و باعث سرور و شادمانی اهالی مصر شد.

۳- جوان اسیر

زنی از اهل ذمه، در سوز فراق پسرش که در شهر و دیار دشمنان اسیر شده بود، می نالید؛ تا این که روزی به شوهر خود گفت: شنیده ام در این شهر زنی است که او را نفیسه بنت الحسن گویند، که در عبادت و دیانت زبان زد عام و خاص است و اهالی مصر از او طلب دعا می نمایند. خوب است به حضور این مخدره بشتابی و از فرزند گمشده مان، نزد او یاد کنی؛ شاید در حق وی دعایی کند! اگر دعای او مستجاب شود و فرزندم

ص: ۳۳

برگردد، به دین و آیین او ایمان خواهیم آورد. شوهر آن زن به حضور نفیسه خاتون سلام الله علیها شرف یاب شد و داستان گم شدن فرزندش و وضعیت همسرش را به عرض آن حضرت رساند. حضرت نفیسه هم دعا کرد تا خداوند فرزندش را به او باز آورد. چون نیمه های شب شد، دیدند در خانه را می کوبند. زن بیرون شتافت و در را باز کرد. با تعجب، جوانش را پشت در دید. اشک دور چشمانش حلقه زد و به یاد دعای نفیسه خاتون افتاد، لذا از فرزندش چگونگی رهایی اش را پرسید. جوان گفت: مادر! در فلان وقت بر در ایستاده بودم (و این همان موقع بود که حضرت نفیسه خاتون دعا کرده بود) و بی خبر از همه جا سر در گریبان خود داشتم که ناگاه دستی بر قید و زنجیر افتاد و شنیدم کسی می گفت: او را رها کنید! چرا که سیده نفیسه بنت الحسن در حق او شفاعت کرده است. از بند و غل رها شدم و پس از آن به ناگاه خود را در سر محله خودمان دیدم و به در خانه رسیدم. مادر این جوان، شادمان شد و اسلام آورد و از خدام نفیسه خاتون شد. این کرامت چنان در مصر و میان یهودیان منتشر شد که هفتاد تن از آنه ا به دین مبین اسلام تشرّف یافتند.

۴- پیرزن و دعای مستجاب

زنی سال خورده چهار دختر داشت که با پنبه ریزی زندگی می کرد. پیرزن پنبه های ریسیده را هر جمعه به

ص: ۳۴

سر می گرفت و به بازار شهر می آورد و با فروش آن مقداری کتاب و با نیمی دیگر از آن، طعامی برای یک هفته دختران خود خریداری می نمود.

روزی از بازار عبور می کرد و آن رشته بر سر داشت، ناگاه پرنده ای تیز چنگال از هوا به زیر آمد و آن رزومه رشته را ربود و به هوا بلند شد. آن زن از این حادثه، بر روی زمین افتاد و چون به هوش آمد، گریست و گفت: با دختران یتیم چه کنم که اکنون منتظر و گرسنه هستند؟! مردمان بر گردش جمع شدند و حالش را پرسیدند. وی قصه خود را باز گفت، لذا او را به حضرت سیده نفیسه خاتون راهنمایی کردند و گفتند: به خدمت ایشان رو و درخواست دعا کن. همانا خدای تعالی از برکت دعایش، مهم تو را کفایت فرماید!

پیرزن با حالت نگران خدمت حضرت نفیسه خاتون سلام الله علیها رفت و سرگذشت خود را به عرض رسانید و خواستار دعا گردید. سیده نفیسه دست به دعا برداشت و عرض کرد:

«یا من علا فقدر، و ملک فقهر جبر من امتک هذه ما انکسر فانه اخلقک و عیالک»

چون این کلمات تمام شد، به آن زن فرمود: در جایی بنشین که خدای تعالی بر هر کاری تواناست. پیرزن بر در سرای نفیسه خاتون نشست و به واسطه گرسنگی اطفالش، قلبش سوزناک بود. هنوز ساعتی نگذشته بود که ناگاه جماعتی را دید که در سرای نفیسه خاتون اجازه دخول می طلبند. چون داخل خانه شدند، سلام دادند. سیده از حال ایشان پرسید، عرض کردند: ما را حکایتی عجیب است. ما مردمی

ص: ۳۵

هستیم که به دریا سفر می‌کنیم و خدا را بر عافیت سپاس می‌گذاشتیم. چون نزدیک شهر شما رسیدیم، کشتی ما سوراخ شد و آب در داخل آن جاری شد چنان که مشرف بر غرق شدیم. هرچند آن مکان سوراخ را مسدود می‌کردیم، فایده‌ای نبخشید، لذا چون آب طغیان را زیاد نموده بود به درگاه حضرت احدیّت و به حضرت شما توسل و استغاثه جستیم. در همین اثنا مرغی را در بالای سرمان مشاهده کردیم که خرّقه‌ای را که در آن پنبه رشته بود به سوی ما افکند. آن خرّقه رشته را در شکاف کشتی جای دادیم، فوراً آب از طغیان باز ایستاد و به سلامت وارد شهر شدیم. اینک به خدمت حضرت شما آمدیم و به شکرانه خداوند یگانه، پانصد درهم نقره تقدیمتان می‌نماییم. نفیسه خاتون چون این قضیه را بشنید، بگریست و عرض کرد:

«الهی ما ارافک و الطفک بعبادک.»

در این هنگام پیرزن را صدا کرد و فرمود: رشته خود را در هر جعبه به چه مبلغی می‌فروختی؟ گفت: بیست درهم. فرمود: بشارت باد تو را که خدای تعالی در ازای هر یک درهم، بیست و پنج درهم به تو عوض مرحمت کرده است و اصل داستان مردان داخل کشتی را برای پیرزن شرح داد. وی شاد شد و ثنای خدا گفت و به سوی اولاد خود رهسپار شد.

مرحوم شیخ ذبیح الله محلاتی می‌فرماید که عیناً این داستان در زمان داود پیغمبر علیه السلام اتفاق افتاده است.

والله اعلم بالتعدّد والاتّحاد.

نقیسه خاتون نخوانی از دستت رفته

در سابق گفتیم که سیده نقیسه فرزند حسن انور در سال ۱۴۵ ق در مکه به دنیا آمد و در مدینه به شکوفایی رسید و در پانزده سالگی با یکی از فرزندان امام صادق (ع) (اسحاق مؤتمن) ازدواج کرد و از طریق عبادت، تهجد و پارسایی به مقامات معنوی واصل گردید و بر ساحل کرامت قرار گرفت، از مدینه به فلسطین و از آنجا به مصر مهاجرت کرد، در این دیار به پرتوافشانی پرداخت و مشکلات علمی و اجتماعی افراد را برطرف می نمود و شخصیت‌های مشهوری از وی حدیث می شنیدند. در مقابل ستم مقاومت کرد و رفتار امیر مصر را نکوهش نمود، انفاس قدسی او موجب شفای بیماران و رفع مصایب افراد گردید.

در این قسمت شرح زندگی این بانوی بزرگ با جلوه هایی دیگر از زندگی و شخصیت وی آشنا می شویم.

اوقات باقداست

سیده نقیسه فرصتهایی خاص از ایام سال را توأم با نوعی قداست می دانست و می کوشید در چنین زمانه ایی بیشتر از سفره معنوی توشه بگیرد و ارتباط خود را با عالم قدس و ملکوت تقویت کند. دل و ذهنش به درک لحظات عرفانی ماههای رجب، شعبان و

ص: ۳۷

رمضان بسیار شایق بود و می کوشید از طریق عبادت، اذکار و ادعیه این برہ از زمان را غنیمت شمرده و بہ برکت آن حسنات خویش را ارتقا دہد. رجب را ماہ خداوند می دانست و در این ایام صائم بود تا خداوند را از خویش خشنود کند و خشم الہی را از خود دور نماید زیرا موقع مناسبی برای استغفار است و رحمت الہی را جلب و جذب می کند. یک خصوصیت دیگر نیز در زندگی این بانوی عارف برجستگی داشت و بہ او امتیاز می داد و آن اینکہ بہ طرق گوناگون مرگ و آخرت را از ذہن خویش عبور می داد و غفلت از این حقیقت مسلم را غوطہ ور شدن در مرداب متعفن امور دنیایی می دانست. با یاد مرگ قلب خود را صفا می داد و بہ آرامشی آمیختہ با سرور معنوی نایل می گردید و در دعاہایش از خداوند می خواست لحظات چشم فرو بستن از دنیا را در نظر داشته باشد و چون در ماہهای پایانی زندگی احساس کرد چند قدمی با مرگ فاصلہ ندارد شوق و ذوقش رو بہ فزونی رفت و می خواست ہر چہ زودتر از این قفس تن برہد:

(چنین قفس نہ سزای چون من خوش الحانیست***روم بہ گلشن رضوان کہ مرغ آن چمنم)

برای اینکہ انس زیادی با حیات برزخی داشته باشد در خانہ ای کہ می زیست با دست شریف خویش قبری حفر کرد و در آن نماز خواند و بہ نقلی یکصد و نود بار قرآن را در این حفرہ ختم نمود کہ برخی این میزان را دو

ص: ۳۸

ہزار (و در نقلی شش ہزار) مرتبہ نوشتہ اند. (۱)

بدین گونه محل سکونت وی مصداق روایت امام صادق (ع) گردید کہ می فرمایند: «والدار اذا تلی فیہا کتاب اللہ کان لہا نورٌ ساطعٌ و تُعْرَفُ مِنْ بَیْنِ الدُّوَرِ؛ (۲)

چون در خانہ ای کتاب خداوند تلاوت شود نوری از آن در آسمان ساطع می گردد و بدین وسیلہ از بین منازل دیگر شناختہ می شود.»

کنارہ جوینی از لذتہای دنیایی و اکتفا کردن بہ قوتی اندک ضمن آنکہ بر نیروی ایمان و صلابت روحی سیدہ نفیسہ می افزود بہ موازات این اعتلای معنوی روز بہ روز نحیف و لاغر می گشت. (۳)

زیرا بدیہی است ہر چہ شمشیر بُرنندہ تر و تیزتر باشد زودتر غلاف خود را آسیب پذیر می سازد اما او با ہمین بدن رنجور و علیل و بہ تحلیل رفتہ، شبہا را برمی خاست و بہ تہجد، دعا و نوافل می پرداخت و روزہا را صائم بود. روز اول ماہ رجب سال ۲۰۸ ہجری، پاییز برگ ریزان این جسم نحیف فرا رسید در حالی کہ روح،

۱- نورالابصار، ص ۲۵۸؛ ناسخ التواریخ، ج سوم، ص ۱۲۶.

۲- وسائل الشیعہ، ج ۴، ص ۸۵۱.

۳- حضرت علی (ع) در خطبہ متقین نہ ج البلاغہ از جملہ اوصاف پارسایان را اندام ضعیف و نحیف دانستہ اند.

ص: ۳۹

مسیر اهتزاز و تعالی را طی می کرد. دختر برادرش (زینب) می گوید: عمه ام سیده نفیسه رنجور شد و در اولین روز ماه رجب در بستر بیماری قرار گرفت. پس چون از تاب و توان افتاد برای شوهرش اسحاق مؤتمن که در آن هنگام به مدینه رفته بود، نوشت: حال مساعدی ندارم و کسالت و بیماری تنم را آسیب پذیر ساخته و فکر نکنم سلامتی خود را باز یابم. به نظر می رسد زمان مفارقت نزدیک شده و مرگم فرا رسیده است پس در اسرع وقت خود را به من برسان.

در بستر بیماری

لحظه به لحظه حالش رو به وخامت می رفت اما نه از عبادت شبانه دست کشید و نه آنکه روزه داری خود را ترک گفت تا آنکه در شب جمعه مصادف با اول رمضان المبارک سال ۲۰۸ هجری بیماری او شدت یافت، مع الوصف روز بعد را با روزه آغاز کرد، در این هنگام طبیعی برایش آوردند. او از حکیمان حاذق و مشهور مصر بود. پس از معاینات لازم، گفت این بانو باید برای رسیدن به سلامتی و بهبودی روزه اش را افطار کند زیرا ضعف شدید در مزاجش نفوذ کرده و جانس را تهدید می کند. وقتی سیده نفیسه اظهارات طیب را شنید، گفت: شگفتا! سی سال تمام است از خداوند مسألت می کنم که با حالت روزه داری از این دنیای فانی بروم و چقدر برایم دشوار است که روزه ام را در میان روز آن

ص: ۴۰

هم در آغاز این ماه شریف افطار کنم. طیب از این وضع شگفت زده شد و چون متوجه مقام معنوی این بانو گردید از وی خواست تا برای او دعا کند. سیده نفیسه هم چنین کرد. شرح حال نگاران نوشته اند که در این حال سیده نفیسه اشعاری را خواند که ترجمه اش چنین است:

«طیبم را از من دور کنید و مرا با حبیبم وا گذارید چرا که اشتیاقم به سوی او شدت یافته و عشق و محبت من اکنون این است که در لهیب سوزان او بگدازم. از میان رفتن آبرویم

در میان جمعی سخن چین و رقیب در عشق و هوای حبیبم بر من گواراست و چون به معشوق خود می رسم اگر احیاناً چیزی از دستم برود باکی ندارم. کسی که مرا از علاقه به او ملامت کند هرگز دستش به دامن او نمی رسد. بدنم به ناتوانی و بیماری خشنود است و از این بابت گلایه ای ندارد، آن گاه این غافلان به من فشار می آورند که باید بدنت را حفظ کنی. (۴)» (۱)

زینب دختر برادرش می گوید حال عمه ام بدین منوال بود تا دهه دوم ماه رمضان بدین حال توأم با مرارت بماند و چون حال احتضار به وی دست داد قرآن را گشود تا آیاتی را تلاوت نماید، سوره انعام آمد، همین طور آن را قرائت می کرد تا آنکه به آیه:

قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَيَّ

۱- نك: التحفه الانسیه من م اثر النفیسه.

ص: ۴۱

نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (۱) رسید. در این حال روحش به روضه جنان و آشیانه عرشیان پرواز کرد. در منابع دیگر از جمله در الاصداف آمده است که زینب گفته است پس از چندی که از تلاوت سوره انعام گذشت چون به آیه «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۲) رسید از حال رفت. من او را در آغوش گرفتم. در این حال شهادتین را بر زبان جاری نمود و روحش از بدنش مفارقت نمود.

میهمان قدسیان

اسحاق مؤتمن توسط نامه سیده نفیسه از بیماری همسر خویش باخبر گردید و روزی به مصر آمد که دختر حسن انور رحلت کرده بود اما هنوز بدن پاک این بانو را دفن نکرده بودند، مشاهده این وضع اسحاق را به شدت متأثر کرد. او چشمه اشک را در کویر غم جاری ساخت و در حالی که شیون و ناله می کرد و سیمای منورش چون ماه در خسوف بود گفت می خواهم پیکر نواده امام مجتبی (ع) را که عمری در پارسایی و پاکی گذراند

۱- سوره انعام، آیه ۱۲.

۲- سوره انعام، آیه ۱۲۷.

ص: ۴۲

به مدینه النبی انتقال دهم و در جوار مرقد مقدس اجداد و نیاکانش در قبرستان بقیع به خاک سپارم.

مردم مصر که به دلیل رحلت سیده نفیسه قلبی مشحون از حزن و ماتم داشتند با شنیدن این سخن تأثر مضاعف پیدا کردند زیرا حداقل این انتظار را داشتند حال که از نعمت حیات دنیوی این زن پاک سرشت محروم شده اند حداقل به مزارش پناه ببرند و حاجات خویش را از او بخواهند اما با اصرار اسحاق مبنی بر بردن پیکر نفیسه از مصر مواجه شدند و چون مشاهده کردند نمی توانند وی را متقاعد کنند تا آن بانو را در سرزمین مصر به خاک سپارند و او از نظرش منصرف نمی گردد نزد امیر مصر رفتند و ملتسمانه اظهار داشتند خواسته های ما را به وی برسان و از اسحاق بخواه اجازه دهد همسرش در قبری که خود برای خویش حفر کرده و در آن بارها قرآن را ختم نموده دفن شود. حاکم وقت مصر که از مقامات معنوی سیده نفیسه و نفوذ روحانی وی در جامعه مصر اطلاع داشت اسحاق را فرا خواند و گفت:

تو را به خداوند متعال سوگند می دهم این اجتماع مشتاق را از چنین فیضی محروم مکن. اما با این وجود اسحاق قبول نکرد. پس اموال فراوانی به قدر بار شتری که با آن از مدینه به مصر آمده بود به وی دادند و تقاضا کردند اجازه دهد همسرش در مصر دفن گردد، این بار نیز از برآوردن درخواست مردم امتناع کرد. مردمان مشتاق، آن شب را با اندوه و حزنی مضاعف سپری کردند چون صبح صادق فرا رسید و نزد فرزند امام

ص: ۴۳

صادق (ع) آمدند مشاهده کردند از تصمیم دیروز برگشته و با نظر مصریان موافق شده است. با شگفتی دلیل این حالت را از وی پرسیدند. گفت: شب گذشته در رؤیایی راستین جدم رسول اکرم (ص) را دیدم که خطاب به من فرمود: «رُدَّ عَلَیْهِمْ أَمْوَالُهُمْ وَادْفَنهُ اَعِنْدَهُمْ»

اموالشان را به آنان باز گردان و نفیسه را نزدشان دفن کن.»

و بنا به نقل دیگر در عالم خواب حضرت محمد (ص) خطاب به وی فرمود: یا اسحاق! لا تعارض اهل مصر فی نفیسه فان الرحمه تنزل علیهم ببرکاتها؛

ای اسحاق با اهل مصر بر سر سیده نفیسه معارضه مکن، به برکت او بر آنان رحمت نازل می گردد.»

پس مقرر گردید پیکر آن خاتون پرهیزگار در خانه اش واقع در درب السباع دفن گردد و روزی که خواستند بدنش را تشییع کنند واقعا از ایام شگفت در تاریخ مصر بود زیرا مردم مسلمان از اطراف و اکناف با ازدحام عجیبی می آمدند و بر جنازه او نماز می گزاردند. آن شب تا صبح شمعها روشن کردند و شیون مردم از تمامی خانه ها به گوش می رسید و تأسف بر فقدان این بانو غیر قابل وصف بود و برخی مورخان نوشته اند در ایام سوگواری برای او جمعیت در صحرا موج می زد و اجتماعی به آن عظمت در تاریخ مصر تا آن زمان

ص: ۴۴

مشاهده نشده بود. (۱)

تاریخ درباره بارگاه نورانی این بانو

علمای نسابه، راویان و مورخان بر این عقیده اند که مرقد نفیسه در موضع کنونی واقع شده و کسی خلاف آن را نگفته است و در کتاب معروف ابن زیات که در آداب زیارت مشاهد و ضریح هاست بر زیارت این بانو تأکید شده و سپس این روایت را از رسول اکرم (ص) آورده است که: «النجوم امان اهل السما و اهل بیتی امان اهل الارض؛

ستارگان مایه آسایش و امنیت اهل آسمانند و اهل بیت

۱- نور الابصار فی مناقب آل البيت النبى المختار، ص ۲۵۸؛ آل بیت النبى فی مصر، ص ۱۰۴؛ اسعاف الراغبین، ص ۲۰۷؛ السیده نفیسه، توفیق ابوعلم، ص ۱۳؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۰۰؛ تتمه المنتهی، ص ۱۹۵؛ ریاحین الشریعه، ح ۵، ص ۹۳ ۹۴؛ خیرات حسان، ص ۱۲۳؛ زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، عمادزاده، ج ۳، ص ۳۸۸؛ نور ملکوت قرآن، علامه سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، ج ۴، ص ۴۹۳ ۴۹۴.

من نیز در زمین چنین هستند.»

ابن زیات افزوده که همان گونه که علما نقل کرده اند صحیح ترین مشاهد از مراقد اولاد علی (ع) در مصر به سیده نفیسه تعلق دارد که در این سرزمین اقامت گزید و به دست خویش قبر خود را حفر کرد. (۱)

احمد ابوکف می گوید مشهد و مسجد این بانو در مصر، مرواریدی از آل البیت است که بر جبین مصر می درخشد و منشأ برکات زیادی شده است. وی خاطر نشان می نماید وجود این مرقد برای مصریان همچون کشتی نجات می باشد و سیده نفیسه گلی است که عطر نبوت از آن استشمام می شود. مزارش چون ستاره ای فروزان مصر را روشن کرده و بر نورانیت آن افزوده است و هر وقت مردم مشکلی پیدا می کنند و سینه ای تنگ می یابند به سوی آرامگاهش می روند و در فضای معنوی بارگاهش تنفس می کنند و بدین گونه روان خویش را با روحانیت این جایگاه مبارک پیوند می زنند و به برکت آن از انکسار قلبی رهایی می یابند. (۲)

جماعتی از صلحا و بزرگان، قبر شریفش را زیارت کرده

۱- الکواکب السیاره فی تربت الزیاره، ابن زیات، ص ۵؛ مساجد مصر و اولیاء الصالحون، دکتر سعاد ماهر محمد، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲- آل بیت النبی فی مصر، ص ۹۹، ۱۰۰.

ص: ۴۶

اند. همچون استاد کبیر ابی الفیض، ذی النون مصری، ابن ابراهیم خمیمی (از رجال بااعتبار و اهل عرفان)، ابی الحسن دینوری، ابی علی رودباری، ابی بکر احمد بن نصر دقاق، بنان بن احمد بن محمد بن سعید، حمال واسطی، سقران بن عبدالله مغربی و ... یوسف بن یحیی صفانی در کتاب نسیم سحر در شرح حال حسن بن زید نوشته است:

نخستین کسی که بر قبر این بانو بارگاهی بنا کرد

عبیدالله بن السری الحاکم والی مصر بود که به خاندان عصمت علاقه داشت، بازماندگانش نیز نسبت به این مرقد محبت نشان می دادند و مقام سیده نفیسه را تجلیل کرده اند. (۱)

به هنگام روی کار آمدن فاطمیان و به حکومت رسیدن ابوتمیم معد، ملقب به مستنصر بالله پنجمین خلیفه فاطمی، این بقعه رو به ویرانی نه اد و بار دیگر این خلیفه، روضه مذکور را تجدید عمارت کرد و پایه هایش را استوار ساخت و بر سنگی از رخام که بالای سر درب ورودی آن نصب شده نام وی به چشم می

۱- مشاهد العتره الطاهره و اعیان الصحابه و التابعین، سید عبدالرزاق کمونه الحسین، ص ۲۴۷ ۲۴۸.

ص: ۴۷

خورد. (۱)

خلیفه الحافظ لل‌دین عبدال‌مجید علوی قبه ای بر مزار ضریح بنا کرد و آن را به هنرها و فنون اسلامی آراست و محراب پرشکوهی برایش ترتیب داد که می‌توان کتیبه‌هایی را به خط کوفی در آن دید. احداث قبه و محراب در سال ۵۳۲ هجری به پایان رسید، با روی کار آمدن ایوبیان قبه و مزار سیده نفیسه مورد بی‌اعتنایی فرمانروایان این سلسله قرار گرفت تا آنکه سلسله ممالیک روی کار آمدند، معروف سلاطین آن سلسله الملک الناصر محمد پسر قلاوون (حکومت ۶۹۳ تا ۷۴۱ ه. ق) بود که در سال ۷۱۴ هجری فرمان داد مشهد سیده نفیسه را نظارت جدی کرده و نسبت به آبادانی و احیای بناهای آن بکوشند. همچنین به دستور وی مسجدی در جوار زیارتگاه مزبور احداث گردید که یک جهانگرد مراکشی به نام خالد بلوی که به سال ۷۳۷ هجری از مصر دیدن کرده به وصف آن پرداخته است. (۲)

اینکه پس از رحلت سیده نفیسه بلافاصله برایش قبه، بارگاه، روضه و رواق در نظر گرفته اند از نفوذ معنوی او

۱- المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الاثار، ج ۲، ص ۶۴۱.

۲- مساجد مصر و اولیاء الصالحون، جزء اول، ص ۱۲۶ ۱۲۷؛ آل بیت النبوی فی مصر، ص ۱۱۰؛ شیعه در مصر، ص ۱۳۱.

ص: ۴۸

در میان مصریان حکایت دارد. تجدید بنا، مرمت، توسعه و آبادانی این بنا در اعصار گوناگون نیز جلوه ای از اخلاص و کرامت این بانو را به نمایش گذاشته است.

هر کس در هر موضوعی مشکلی داشته باشد در این جایگاه به درگاه الهی تضرع می کند تا خداوند اندوه او را برطرف نماید.

توسلات

برخی عارفان گفته اند اگر کسی گرفتار سختی و مصیبتی باشد و به مشهد سیده نفیسه برود و در آنجا با قلبی پاک و نیتی خالص یک بار سوره حمد و یازده مرتبه سوره سبح اسم ربك و یازده مرتبه سوره توحید را تلاوت کند و ثوابش را به روح این سیده پاک طینت هدیه نماید مشکلاتش برطرف می شود.

در کتاب سفینه البحار آمده است هر کس حاجتی داشته باشد و هزار مرتبه به روح سیده نفیسه خاتون صلوات هدیه کند خداوند ان شاء الله حاجتش را روا می گرداند. (۱)

مقریزی می نویسد قبر سیده نفیسه یکی از مواضع معروف مصر می باشد که به اجابت دعا معروف می باشد و هر وقت به مصری ها مصیبتی می رسد به این

۱- یکی از هزاران، سیدمحمد ناظمیان، ص ۲۰.

ص: ۴۹

مکان می شتابند و حاجت خود را مطرح می کنند و با ذکر و دعا و استغاثه جواب می گیرند. (۱)

اصولاً مردم مصر به این جایگاه مبارک اعتقاد خاصی دارند و چون سیده نفیسه بارها مشکلات آنان را برطرف کرده و نتایج توسل به این بانو را مکرر دیده اند همواره آن مزار شریف پناهگاهی برای درماندگان می باشد.

ابی مسک کافور اخشیدی که پس از وفات سومین سلطان اخشیدی با اعلام استقلال مدت سه سال) از ۳۳۵ ه. ق (در مصر فرمانروایی کرد (۲)

زیارت سیده نفیسه را ترک نمی کرد و در هر شب پنجشنبه هر کجا که بود خود را به این روضه منور می رسانید و به محض اینکه مکان مزبور را از چند صد متری مشاهده می کرد از اسب پایین می آمد و به احترام سیده نفیسه با پای پیاده به سوی مزارش می رفت و در آنجا با سر برهنه به دعا مشغول می گشت و بر آوردن حاجات خویش را از خداوند طلب می کرد. (۳)

۱- المواعظ و الاعتبار ...، ج ۲، ص ۶۴۰.

۲- تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانه ای حکومتگر، ح اول، ص ۱۱۰.

۳- آل بیت النبی فی مصر، ص ۱۰۹.

ص: ۵۰

عبدالغنی نابلسی از سیاحان مسلمان که در سال ۱۱۰۵ هجری از قاهره دیدن کرده نوشته است: زنان مصری از قرن هشتم هجری تا کنون روز چهارشنبه را به زیارت مزار این بانو اختصاص داده اند. و روز پنجشنبه به زیارت مشهد رأس الحسین می روند و این موضوع در عصر فاطمیان مرسوم بوده است. (۱)

ابومحمد عبدالله یافعی یمنی می گوید: سیده نفیسه در درب السباع دفن شده و امروز جز آن قبر، مزار دیگری در این محله نمی باشد و مرقدش زیارتگاه و دعا در کنارش به اجابت می رسد. وی می افزاید من خود به آهنگ زیارت مشهدش رفتم، جمع کثیری از مرد و زن و بیمار و نابینا را در آنجا یافتم و خود به قصد زیارت مشغول شدم. (۲)

شرح اشتیاق

ارتباط مردم مصر با مراقد علویان و آرامگاههای بزرگانی از خاندان عصمت و طهارت، شکستی بزرگ

۱- گوهر خاندان امامت، ص ۶۲.

۲- ناسخ التواریخ، همان، ج سوم، ص ۱۳۳ به نقل از مرآت الجنان یافعی یمنی.

ص: ۵۱

برای وهابیانی است که در مصر ضد شیعه فعالیت می کنند.

با گذشت حدود دوازده قرن بر شکوه و رونق مشهد سیده نفیسه که از بانوان علوی است افزوده شده و گویی روح پاک این خاتون پارسا کنار زایرین نشسته، سخنان آنان را گوش می دهد و دانه های متوالی اشک را از دیدگان آنان پاک می کند و برای رفع مشکلات و ادای حاجتشان اقدام می نماید. (۱)

صالح الوردانی، محقق مصری، تأکید می کند مرقد سیده نفیسه از جمله اماکن معروف مصر است که نشان می دهد درخت تشیع در این سرزمین از ریشه های عمیق و تنومندی برخوردار است، سالروز تولد این بانو و نیز حضرت زینب (س) امروزه باشکوه هر چه تمامتر در کشور مزبور برگزار می شود و این آداب و رسوم دلیل بس آشکاری است بر وجود و نفوذ آثار و مراسم مذهب تشیع در اعماق قلوب مصریان (۲۰)، (۲).

قبر متبرک رأس الحسین (ع) حضرت زینب (س) و سیده نفیسه چون چشمه ای در حال جوشش است و

۱- شیعه در مصر، صالح الوردانی، ص ۱۲۲؛ مصر از زاویه ای دیگر، جمیله کدیور، ص ۴۹. ۵۰. ۱۸ ناسخ التواریخ، همان، ج سوم، ص ۱۳۳ به نقل از مرآت الجنان یافعی یمنی.

۲- شیعه در مصر، ص ۹۹. ۱۰۰.

ص: ۵۲

این سه بارگاه فروزان شعله محبت به اهل بیت را در میان مصریان روشن نگاه می‌دارد و گویی پیوند آنان با مراقد مزبور، حلقه اتصال و اتحاد شیعه و سنی است و نقطه اشتراک مردمان این سامان با شیعیان ساکن در نقاط دیگر جهان می‌باشد. (۱)

مردم مصر در سالروز رحلت سیده نفیسه برنامه‌ای خاص ندارند اما همه ساله به مناسبت سالروز ولادتش جشن باشکوهی برگزار می‌کنند. (۲)

نخستین جشن سالروز تولد این بانو در سال ۸۸۹ ه. ق در عصر الاشرف سیف الدین قای بتای (حکومت ۸۷۲ ۹۰۱ هجری) از سلسله ممالیک چرکسی برگزار شد. در اوقات دیگر، به خصوص در روزهای یکشنبه و پنج‌شنبه جمعیت انبوهی به زیارت این مکان می‌آیند و جشنه‌ای ازدواج در اطراف مرقدهش برگزار می‌شود. (۳)

شب تولد سیده نفیسه ازدحام جمعیت در روضه او چنان زیاد است که امکان ورود حتی به صحن مسجدی که در مجاور مرقدهش قرار دارد بسیار مشکل می‌باشد.

۱- مجله مشکوه، شماره ۵۲، ص ۲۴.

۲- مجله زائر، شماره ۵۷، ص ۲۲؛ شیعه در مصر، ص ۲۱۷.

۳- شیعه در مصر، ص ۱۳۱.

ص: ۵۳

فرقه های گوناگون شیعه در کنار برادران اهل تسنن تا پاسی از شب با مولودیه خوانی نسبت به مقام اهل بیت (ع) و این بانو ابراز محبت می نمایند. مردم مصر بوسیدن ضریح، تضرع و توسل به سیده نفیسه را برای برآوردن حاجات روا می دانند و طواف عروس در حرم او مرسوم است. محل طواف زنان و مردان جداسست و رایحه عطر، فضای روحانی روضه او زایرین را معطر می نماید.

زیارت کنندگان زیر لب دعایی زمزمه می کنند، دست به نیایش برمی دارند و سوره هایی از قرآن مجید را تلاوت می کنند، دست به ضریح می مالند و حتی لباسهای خود را با آن متبرک می نمایند؛ سپس دست خویش را به صورت می کشند تا سیمای خود را از امواج مقدسی که از مرقد آن بانو ساطع شده بهره مند نمایند، پدرها فرزندان خود را سر دست بلند می کنند تا مرقد را مشاهده کنند و مادران به کودک خویش نشان می دهند که چگونه شبکه اطراف مرقد را لمس نمایند و برکت گیرند. زایرین در یک بهم آمیختگی و محبت شگفت آور در کنار هم استراحت می کنند. در این مکان تجلیات ایمانی بروز می کند که امکان دارد به صورت زمزمه ای زیر لب یا فریاد باشد از کنجکاوی شدید تا خلسه عرفانی و از شادی تا گریه. هر کسی به شیوه خود و بر حسب تمایلات درونی و علائق باطنی و میزان معرفت خویش شفاعت سیده نفیسه را برای شفا، رفع یک ناراحتی و یا درخواستی دیگر طلب می کند.

ص: ۵۴

در زیر گنبد مرتفع مزارش صداهایی که نامش را با التجا و التماس و به بزرگی و عظمت تکرار می کنند طنین می افکند. حتی صدای پای جمعیت به خود تنه ایی استغاثه می باشد. چهره های متفاوت در زیر نور چراغهای نئون از اشتیاق و محبت حکایت دارند.

امواج مستمر زایران احساس شگفتی از حرارت عشق و کشش به سوی این بانوی پرهیزگار را ایجاد می کند. (۱)

در کتب تراجم و شرح حال برای این بانو زیارت نامه هایی را ذکر کرده اند.

شبلنجی در اثر مشهور خود و نیز مؤلف کتاب «الدره النفیسه فی ترجمه السیده النفیسه» می نویسند وقتی کسی می خواهد مرقد این بانو را زیارت کند به هنگام داخل شدن متوجه این حقیقت باشد که وی از خاندانی است که خداوند اراده نمود هر گونه رجس و ناپاکی را از آنان دور کند و سپس با چنین معرفتی زیارت نامه بخواند، در زیارتنامه ای که این دو مورخ آورده اند مقامات معنوی و شرافت نسبی سیده نفیسه ستوده شده و بر او به عنوان بانویی از خاندان عترت درود فرستاده شده و تقاضای ثواب و مغفرت از روح پاکش

۱- گنبدها و مناره های مصر، کاترین مایور ژاوان، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مجله مشکوه، شماره ۶۰ ۶۱، ص ۲۱۷.

ص: ۵۵

گردیده است. (۱)

موتق بن عثمان می گوید وقتی برخی اسلاف به زیارت سیده نفیسه می رفتند زیارت ویژه ای را می خواندند و این زیارتنامه در کتاب «درر الاصداف» ذکر شده است. در قسمتی از این متن می خوانیم:

السلام و التحیه و الا-کرام و الرضا من العلی الاعلی الرحمن علی سیده نفیسه سلاله نبی الرحمه و هادی الامه ... و اقض حوائجنا فی الدنيا و الاخره یا رب العالمین. (۲)

برادران، خواهران و بازماندگان

سیده نفیسه خواهری به نام ام کلثوم داشت که پس از رحلت پدرش (حسن انور (عبدالله بن علی از نوادگان ابن عباس معروف او را به همسری خویش برگزید. مادر وی و برادرانش اسماعیل و اسحاق، ام سلمه دختر حسین اثم (فرزند حسن بن علی) ع می باشد که برخی

۱- نورالابصار، ص ۲۵۹؛ الدرہ النفیسه فی ترجمه السیده نفیسه، ص ۷۳؛ مساجد مصر و اولیاءهم الطاهر، سعاد ماهر، ص ۱۲۵.

۲- الدر المنتور، طبقات راب الخدور، زینب بنت یوسف نواز عاملی، ص ۵۲۲.

ص: ۵۶

نامش را زینب هم گفته اند. (۱)

ابی نصر بخاری و دیگر مورخان برای سیده نفیسه هفت برادر به نامهای: ابو محمد قاسم (ج د سادات گلستانه)، علی مکنی به ابوالحسن و ملقب به سدید، ابوطاهر زید، اسحاق) معروف به کوکبی (، عبدالله مکنی به ابوزید و معروف به جریده، ابراهیم و ابو محمد اسماعیل شمرده اند. (۲)

مورخان و علمای نسب شناس خاطر نشان نموده اند حاصل ازدواج اسحاق بن جعفر با سیده نفیسه، دو فرزند به نامهای قاسم و ام کلثوم می باشد که بنا به اظهارات عده ای از آنان از این دو، فرزندی بر جای نماند ولی برخی از شرح حال نگاران طوایفی از دانشمندان، سادات و مشاهیر را از این خاندان ذکر کرده اند، یکی از پسران اسحاق موتمن که تاریخ نویسان از او به عنوان حسین یاد کرده اند به حزان مهاجرت کرد و

۱- المواعظ و الاعتبار ...، ج ۲، ص ۶۳۸؛ ناسخ التواریخ، همان، ص ۱۳۱ ۱۳۲؛ منتخب التواریخ، ص ۲۰۸.

۲- تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر، ذهبی، ص ۴۱۵؛ سر السلسله العلویه، ص ۲۲؛ عمدہ الطالب، ص ۶۶ ۶۷؛ منتهی الامال، ج اول، ص ۴۵۹ ۴۶۰؛ سفینه البحار، ج اول، ص ۶۲۶؛ مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۳۹۸؛ عبدالعظیم حیاتہ و مسندہ، ص ۱۰۲ ۱۰۳.

ص: ۵۷

نخستین فرد این دودمان بود که به حلب رفت و پس از وصلت با دختر یکی از رجال این دیار توانگر شد. وی موفق گردید در زمانی که مذهب حنفی در حلب حکمفرما بود تشیع را به آنجا ببرد، نقابت طالبیان حلب در عصر حمدانیان به یکی از نوادگان وی محول گشت.

به گفته سید محسن امین، فرزندان این خاندان همچنان در یکی از نواحی حلب (فوهه) دارای قدر و منزلت اجتماعی هستند و شجره نامه ای که به تأیید بزرگان و مشاهیر دانشوران رسیده است، در دست دارند، برخی از آنان نیز در عراق و آذربایجان به سر می برند. (۱)

بنی زهره خاندانی از سادات شیعه دوازده امامی هستند که بسیاری از آنان اهل معرفت، دانش و سیاست و دارای تألیفات مهم هستند و دانشورانی بزرگ نزد آنان به کسب معارف اهتمام ورزیده اند، این شجره پاک و آراسته به پرهیزگاری و دانش منسوب به اسحاق بن جعفر الصادق (ع) هستند و گاه آنان را اسحاق و اسحاقیون خوانده اند. این هم یکی دیگر از افتخارات سیده نفیسه است که افرادی از نسل او در نشر فرهنگ قرآن و عترت و نیز گسترش تشیع و صیانت از علویان و سادات تلاش کرده اند و در صفحات تاریخ نام خویش

۱- منتهی الامال، ج دوم، ص ۳۰۰؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۵؛ عمده الطالب، ص ۲۳۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ذیل بنی زهره.

ص: ۵۹

او را نفیسه خاتون نامیده اند؛ دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع).

سال ۱۴۵ در مکه متولد شده و در مدینه پرورش یافت.

عروس امام صادق (ع) است؛ همسر اسحاق بن جعفر صادق (ع) (۱). (۱)

روزها روزه می گرفت و شب ها عبادت می کرد با مال زیادی که خدا به او عطا کرده بود، به نیازمندان و بیماران و عموم مردم کمک می کرد.

۳۵ مرتبه به حج مشرف شد؛ در بیشتر این سفرها پیاده بود. (۲). (۲)

برادرزاده اش، زینب که به گفته خودش چهل سال به عمه اش خدمت کرده، می گوید: «ندیدم که شب بخوابد و روزها روزه نباشد. به او گفتم: عمه چرا با خود مدارا نمی کنی؟»

فرمود: «چگونه با خود مدارا کنم و حال آنکه از پیش، عقباتی دارم که از آنه فقط فائزون عبور می کنند. (۳) (۳)

۱- - منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۲۹۹؛

۲- - سفینه البحار، شیخ عباس قمی، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۶۰۴.

۳- - منتهی الامال، شیخ عباس قمی ج ۲، ص ۲۲۹.

ص: ۶۰

همراه همسرش به زیارت قبر حضرت ابراهیم خلیل (ع) مشرف شد. هنگام بازگشت، در ماه رمضان به مصر رسیدند و در خانه ای منزل کرد در همسایگی آنان، دختر یهودی فلجی بود؛ وی به آب وضوی نفیسه خاتون تبرک جست و بی درنگ شفا یافت. این ماجرا، سبب اسلام آوردن یهودیان بسیاری شد.

اهل مصر از ایشان خواستند در آنجا اقامت کند تا مردم به زیارتش روند.

در این دیدارها، مصریان برکات زیادی از آن بانوی محترم دیدند. (۱)

ازدحام مردم برای دیدار ایشان بسیار بود و دیدارهای پی در پی، از اوقات عبادت آن بانو می کاست. از این رو تصمیم به تغییر منزل گرفت. مردم وقتی این خبر را شنیدند، اصرار زیادی به ایشان کردند که بماند، ولی مؤثر واقع نشد. مردم نزد امیر مصر رفتند و از او خواستند که نفیسه خاتون را از رفتن باز دارد. امیر نامه ای با پیک به سوی نفیسه خاتون فرستاد و خواستار بازگشت او از تصمیمش شد. بانو نپذیرفت.

حاکم، خود، به محل اقامت آن بزرگوار رفت و در کمال فروتنی از او خواست بماند. نفیسه خاتون در پاسخ گفت: من، خود، به خاطر فشار سیاسی که بر علویان هست، ترجیح داده ام اینجا بمانم، ولی ازدحام دیدارها

۱- توفیق ابوعلم، السیده النفسیه، ص ۲۱۲؛

ص: ۶۱

مانع عبادتم می شود.

حاکم، خانه ای بزرگ تر و دوبار دیدار مردمی در هفته را به نفیسه خاتون پیشنه داد. ایشان پذیرفت. و بدین گونه ارتباط مردم با آن بانو ادامه یافت که مایه شادی آنه ا شد. (۱)

محمد بن ادريس شافعی، رئیس مکتب شافعی، در سفرهای علمی اش به مصر رسید. او در منزل این بانو توقف کرد و از ایشان حدیث فرا می گرفت.

هرگاه شافعی مریض می شد، خادم پرنگشته بود که او به برکت تأثیر نفس سیده نفیسه شفا می یافت.

آخرین بار که شافعی به بستر بیماری افتاد و از آن بانو طلب شفا کرد، سیده نفیسه به فرستاده وی گفت: «متع الله بالنظر الی وجهه الکریم؛ خداوند او را به لقای وجه کریمش بهره مند سازد». شافعی که این کلام را شنید، فهمید زمان مرگش فرا رسیده است.

پس وصیت کرد که نفیسه خاتون بر وی نماز گزارد.

سیده نفیسه که به دلیل ضعف حاصل از کثرت عبادت و روزه داری نمی توانست بیرون برود، از حاکم خواست که او نماز گزارد وی درحالی که مأموم بود، بر جنازه شافعی نماز گزارد. (۲)

۱- - المواعظ والاعتبار، تقی الدین عبیدی، ج ۴، ص ۳۲۵.

۲- - ناسخ التواریخ، میرزا تقی سپهر، ص ۱۱۹.

ص: ۶۲

عده زیادی از اهل علم و حتی برخی صاحب منصبان، حکومتی به محضرش می رفتند و از او حدیث می شنیدند، یا روایت هایی نزدش قرائت می کردند و به حکم و اصلاح آن مبادرت می ورزیدند. بسیاری از دانشوران، قاضیان و حکیمان، در خصوص امور دینی و مسائل شریعت با او مشورت می کردند و اشکالات خود را می پرسیدند.

از جمله افرادی که به ایشان رجوع کردند، ذوالنون مصری، از چهره های معروف عرفان اسلامی؛ بشر بن حارث، از پارسیان بلند آوازه قرن دوم و سوم هجری و ...

بوده اند. (۱)

آن بانوی عابد، از مسائل و مشکلات جامعه هم آگاه بود و چون با خبر شد که مردم مصر از حاکم وقت خود ناراضی اند، مانند اجداد طاهرینش سکوت را جایز ندانست و برای حاکم نامه ای نوشت و در آن، به حکومت ظالمانه او انتقاد کرد. سپس، خود، در محل گذرگاه امیر ایستاد و نامه را به او داد. امیر، بانو را شناخت، سپس با احترام از اسب پیاده شد و نامه را گرفت. او وقتی دید آن بانوی پرهیزکار از روش مستبدانه وی انتقاد، و اعمال و رفتارش را نکوهش کرده، از جور

۱- - نورالابصار، سید مومن بن حسن بن مومن الشبلنجی؛ صص ۲۵۴ و ۲۵۵،

ص: ۶۳

وجفا دست برداشت و آرامش بر مردم حاکم شد. (۱)

زینب می گوید: نفیسه خاتون برای خود قبری با دست خود کنده بود که پیوسته داخل آن می شد و قرآن تلاوت می کرد. عمه ام دو هزار قرآن در آن ختم کرد و در ماه رمضان سال ۲۰۸ ه. ق وفات یافت. (۲)

در وقت احتضار، روزه بود؛ از او خواستند که افطار کند؛ فرمود: «عجبا! سی سال است از خدا درخواست می کنم که با حال روزه از دنیا بروم، حال که روزه هستم افطار کنم؟ پس شروع به تلاوت سوره انعام کرد و چون به آیه «قل لمن ما فی السماوات و الارض قل الله کتب علی نفسه الرحمه» رسید، وفات کرد. (۳)

می گویند بعد از وفاتش، مردم شهرها و روستاها، اجتماع کردند و شمع های بسیاری در آن شب روشن کردند. از هر خانه ای در مصر صدای گریه شنیده می شد. سرانجام جمعیتی کم نظیر از مصریان با اندوه بسیار، بر پیکر مبارک او نماز گزارند. (۴)

۱- آل البيت النبى فى مصر، احمد ابوكهف، ص ۱۰۳.

۲- نورالابصار، ص ۲۵۶؛

۳- شذرات الذهب، حنبلى دمشقى، ج ۱، ص ۲۱.

۴- هجویری، السیده النفسیه، ص ۱۷؛

ص: ۶۴

اسحاق می خواست پیکر همسرش را به مدینه ببرد و در قبرستان بقیع، در کنار اجداد پاکش به خاک بسپارد.

چون مصریان آگاه شدند، با هدایای بسیار نزد وی آمدند و از او خواستند پیکر آن بانو را برای تبرک و تیمن در مصر بگذارند. آنه ا اموال بسیاری نیز بذل کردند، ولی اسحاق راضی نمی شد.

اسحاق آن شب را با فکری مغشوش خوابید و در خواب رسول خدا (ص) را دید که فرمود: «با اهل مصر در باب نفیسه معاوضه کن. همانا به برکت او برایشان رحمت نازل می شود.» اسحاق بعد از این رؤیا، مردم را با خبر کرد و نفیسه خاتون را در قبری که خود حفر کرده بود، دفن کردند. (۱)

* اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صِيْلَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيًّا وَعَيْنًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

زیارت نامه ی امام حسن مجتبی (ع)

زیارت نامه ی امام حسن مجتبی (ع)

ص: ۶۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِينَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِيُّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الْوَفِيُّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّأْوِيلِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِيَ الْمُهْدَى

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الرَّكِيُّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابا مُحَمَّدَ

الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

طریقه توسل به کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی

(ع)

قبل از غروب شب جمعه در گوشه ای از خانه خودتان

ص: ۶۶

سجاده ای به نیت قبر مطهر امام حسن مجتبی (ع) پهن کنید و از قبل از غروب آفتاب شمع یا چراغی بر روی این سجاده روشن شود و تا صبح روشن بماند.

بعد از نماز عشاء، دو رکعت نماز زیارت به نیت زیارت امام حسن مجتبی (ع) و سپس دعای زیارت ائمه بزرگوار بقیع (ع) که در مفاتیح الجنان است، خوانده شود.

بعد از آن یک بار سوره یس را به نیت هدیه به روح مبارک آقا امام حسن مجتبی (ع) تلاوت نمائید.

حتما چراغ یا شمع تا صبح روشن بماند.

در رابطه با گرفتاری مادی بسیار نافع می باشد.

و این دستور تا برآورده شدن حاجات ادامه داده شود.

بانوان نمونه

۱ بخش اول: فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرشته زمین

نویسنده: روح الله حسینیان

این بخش دارای عناوین ذیل می باشد:

مقدمه مؤلف؛ انتظار به سر آمد؛ نامگذاری؛ زهرا؛ بتول؛ فاطمه؛ آغاز سختی؛ غم مادر؛ یاور پدر؛ هجرت؛ خواستگاری بزرگان قریش؛ چه کسی شایسته اوست؟

خواستگاری علی (علیه السلام)؛ مشورت با فاطمه (سلام الله علیها)؛ مقدمات ازدواج؛ تحقیقی در مهریه فاطمه (سلام الله علیها)؛ مهریه فاطمه (سلام الله

ص: ۶۷

علیها) در عالم لاهوت؛ جهیزیه؛ عقدکنان؛ جشن فرشتگان؛ چرا علی؟؛ عروسی و حجله عروسی؛ حجله چیده می شود؛ آرایشگاه؛ ولیمه؛ مجلس زنانه؛ پدر در حجله؛ ساقدوش؛ سپیده دمان؛ آغاز سرزنش؛ انتقال منزل؛ اسوه؛ ترس از قیامت؛ عشق به خداوند و پاکدامنی؛ پاکدامنی؛ عبادت؛ ایثار؛ حضور در جبهه؛ در غم شهیدان؛ اول همسایه؛ آئین همسری یا خانه داری؛ زندگی فقیرانه؛ بهتر از خدمتکار؛ تحقیقی در تسیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها)؛ زیور؛ آموزش؛ تسلیم در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)؛ گشایش در کار؛ با زیر دستان؛ تربیت فرزندان؛ فاطمه شکوه نبوت؛ امتی از زنان؛ عصمت فاطمه؛ فاطمه از نیکان بود؛ کوثر، محبوبه پدر؛ رضای فاطمه در رضای خداوند؛ غذای آسمانی؛ لوح آسمانی؛ محدثه؛ سختیهایی که در پیش است؛ خنده ای پس از گریه؛ عزای پدر؛ دفاع از حریم ولایت؛ خانه فاطمه محل تجمع مخالفان سقیفه؛ تهدید به نفرین؛ آتش در حریم؛ از فدک محروم می شود؛ خروش؛ بیت الا-حزان؛ خشم کوثر؛ آیا فاطمه از خلیفه راضی شد؟ آماده پرواز؛ کمال عفاف؛ مراسم غسل و کفن؛ تشییع و دفن مهتاب؛ ای چشمها، فرو افتید؛ شفیع؛ تحقیقی درباره قبر فاطمه؛ تاریخ وفات فاطمه.

بخش فوق شامل دو ضمیمه نیز با عناوین ذیل می باشد:

ضمیم ۱: تحقیقی در تولد حضرت زهرا (سلام الله

ص: ۶۸

(علیها)

شواهدی که تولد فاطمه را بعد از هجرت تأیید کردند:

الف (هنگامی که فاطمه وفات نمود، فاطمه به پیامبر می چسبید و گریه می کرد و می گفت: "این امی؟" "مادرم کجاست؟"....

در حالیکه بر فرض اینکه تولد فاطمه، پنج سال قبل از هجرت باشد، رفتار فوق از دختر ۱۴ یا ۱۵ ساله بعید است.

ب (روایات مربوط به معراج پیامبر به نقل از شیعه و سنی که پیامبر فرمود:

«در شب معراج میوه ای به من داده شد که نطفه فاطمه در صلب من تشکیل شد و خدیجه از همان نطفه حامله گردید».

ج (خواستگاری از فاطمه در سال اول هجرت از سوی اصحاب، نشانه بلوغ فاطمه پس از هجرت است. در غیر این صورت) تولد فاطمه ۵ سال قبل از بعثت (با عنایت به رسم آن زمان، قطعاً باید از سال چهارم بعثت خواستگاریها از ایشان آغاز می شد. در حالی که تاریخ، به جز بعد از هجرت از هیچ خواستگاری برای فاطمه اسمی به میان نیاورده است.

ضمیم ۲: بحثی در فدک:

فدک از سال یازدهم هجری مورد اختلاف اهل بیت و خلفا بوده است از آن پس دامن ه این اختلاف، به هواداران هر کدام از پیشوایان و خلفا سرایت کرد.

علمای شیعه و اهل سنت در این باره بحثها کرده و فدک

ص: ۶۹

را از یک بحث تاریخی به صحنه کلام کشانده و در این رابطه کتابها نوشته اند.

۲ بخش دوم: حوّا بانوی بهشتی

نویسنده: محمد ابراهیم احمدی خراسانی

این بخش دارای عناوین ذیل می باشد:

مقدم ه مؤلف؛ آفرینش دیگر، آغاز زندگی، آدم قبله گاه طاعت الهی، درخواست پاداش، آزمون علمی، غم تنه ایی، آفرینش نخستین زن، اسم، کنیه ها و القاب، الفت دل، نصایحی از آفریدگار، خودستایی، گفتگویی خطر آفرین، غفلت و لغزش، در آن سوی باغ، حوّا و مسئله ترک اولی، سفر با کوله باری از تجربه، اقامتگاه مجزا، مکان و زمان هبوط، جملات نورانی، سفر حج، خیمه بهشتی، باز هم جدایی، سعی بین صفا و مروه، نور وحی بر آئینه عصمت، اولین کشاورزان، هنر نویسندگی، فصل شکوفایی، شعله های حسادت، حجّتی دیگر، مرگ شوهر، وداع با فرزندان ...

حوّا در روایات:

الف (خدیجه (سلام الله علیها) درباره تولد دخترش فاطمه (سلام الله علیها) و آمدن چهار بانوی آسمانی به کمک او، نقل میکنند که:

«... یکی از آنان گفت: من مادرت حوا هستم و ...»

ب (استقبال حوا از جنازه حضرت علی) علیه السلام)

ج (استقبال حوا از فاطمه (سلام الله علیها) در بهشت

ص: ۷۰

۳ بخش سوم: بلقیس بانوی زمامدار

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

این بخش شامل عناوین ذیل می باشد:

نمون ه نادر، گزارش شگفت، نامه نورانی، جلسه مشورتی، درایت و کیاست، زمان آزمایش، تکریم کاروان ...

قدرت غیبی:

سلیمان از ملت سبا می خواست راهی را انتخاب کنند که بر فطرت پاکشان استوار است

سلیمان در نامه خود به بلقیس خاطر نشان ساخته بود:

«و اتونی مسلمین»

به سوی من آئید در حالی که تسلیم حق هستید.

اما آنان سرپیچی کرده و به سرزمین خود بازگشتند و ماجرا را به ملکه بازگو کرده و گفتند: وی (سلیمان) فردی عادی و حاکمی قدرت طلب نیست. و نیروئی فوق العاده دارد به طوری که همه اجنه و وحوش و پرندگان در خدمت اویند؛ لذا توان مقابله با سلیمان را ندارند.

بلقیس با شنیدن این سخنان تصمیم گرفت خود شخصا به دیدار سلیمان رود.

... حکایت حقیقت، جایگاه با جلال، پرتوهای امید، عمران و آبادانی.

۴ بخش چهارم: هاجر شکوه شکیبایی

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

ص: ۷۱

این بخش شامل مطالب زیر می باشد:

وصف وارستگی، در چنگال شقاوت، ارمغانی ارزنده، بهار در خزان، بشارت فرشتگان وادی مبارک، نگاههای آخر، تشنه ای در بیابان، از سراب تا چشمه، جرعه های شفابخش، شوق دیدار، رؤیایی راستین، میهمان مهربان،

حجر اسماعیل:

حجر اسماعیل محل جلوس، موضع اعلام رسالت، جایگاه تلاوت آیات قرآن، محل عبادت و پاسخ به سوالات و مضع وقوع و مشاهده معجزات حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است.

۵ بخش پنجم: آسیه الکوی مقاومت

نویسنده: علی کرم جلالوند

این بخش دارای عناوین ذیل میباشد:

مقدمه مؤلف؛ پیش از تولد موسی، بیم و امید، رویای شوم، تولد موسی و زندگی در کاخ فرعون، خداوند؛ بهترین مکر کنندگان است، سروش آسمانی، آمادگی برای یک تصمیم مهم، پدر و مادر موسی، یک تصمیم مهم، مقدمات حفظ موسی، موسی از آب گرفته می شود؛ آسیه حافظ جان موسی، مادری به اسم دایه، باز هم نجات موسی به دست آسیه، شناخت بیشتر آسیه (نسب و ملیت آسیه، آسیه در قرآن، ایمان آسیه، اعتراف فرعون به بزرگی آسیه (، کمال آسیه،

زنی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به او سلام

ص: ۷۲

می رساند:

آسیه زنی است که پیامبر اکرم به او سلام رساند و حامل این سلام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، خدیجه کبری بود؛ سلامی که سراسر برکت و رحمت است.

معاذین جبل - از اصحاب پیامبر اسلام - می گوید:

حضرت خدیجه در بستر مرگ بود. پیامبر به ایشان فرمود:

«ای خدیجه، گویا از سختی قرار گرفتن در بستر مرگ، ناراحتی و حال آنکه خداوند در سختی‌ها خیر کثیر قرار داده است!

ای خدیجه، هنگامی که به سرای جاوید رسیدی و بر هووهای خود وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان!»

خدیجه پرسید: ای رسول خدا منظورت چه کسانی است؟

فرمود:

«آسیه، مریم و حلیمه خواهر موسی».

همچنین آن حضرت فرمود:

«سلام باد بر آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه که فاضل‌ترین و برجسته‌ترین زنان بهشت اند».

... پرستاری آسیه از خدیجه، آسیه همنشین خدیجه و فاطمه در بهشت، مقام آسیه در قیامت، رسالت آسیه، ازدواج آسیه و فرعون، فرعون که بود؟ مقاومت بی نظیر، شهادت آسیه، آثار شهادت آسیه، بسته شدن دفتر عمر یک ستمگر.

۶ بخش ششم: حضرت مریم سلام الله علیها (اسوه نجابت و عفاف

نویسنده: سید عباس رفیعی پور علوی

بخش حاضر شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدمه مؤلف، مسجد الاقصی، شجره طیبه حضرت مریم (سلام الله علیها)، پدر حضرت مریم (سلام الله علیها) نذر مادر مریم (سلام الله علیها)، روزهای تلخ، تولد فرزند عمران، نامگذاری انتخاب شایسته، غذاهای بهشتی، نیایش زکریا (سلام الله علیه)، بشارت فرشتگان، نشان ه پذیرش دعا، گزینش در پرتو نیایش، انتخاب ویژه، فرمان نیایش، بشارت آسمانی، در خلوت روح القدس، بارداری مریم، تمنای مرگ، صدای دلنواز کودک، زایش طبیعت، رزق مریم و عیسی (علیهما السلام)، مأموریت عیسی (سلام الله علیه)، سلام خدا، سخن امام رضا (علیه السلام)، معجزه حضرت عیسی (سلام الله علیه)، سرنوشت کودک مریم (علیهما السلام)، هجرت حضرت مریم (سلام الله علیها) به مصر، صدیقه، مُحدّثه، غابره، عذرا، اسلحه پیامبران، معجزات حضرت عیسی بن مریم، مردگانی که توسط حضرت عیسی (سلام الله علیه) زنده شدند، حضرت مریم (سلام الله علیه) شاهد رنجهای عیسی (سلام الله علیه)، حلال مشکلات، نشانه های باهر، نام های حواریون، عروج حضرت عیسی (سلام الله علیه)، امام حسن و عروج حضرت عیسی (سلام الله علیه). مگر فرزند برای خدا مکن است؟، مریم در خانه یوسف،

تولد عیسی در انجیل لوقا، فرزندان دیگر حضرت مریم، دوشیزگی همیشگی مریم، رحلت حضرت مریم، مریم در آیین ه اسلام، بهترین زنان جهان، حضرت مریم از منظر حضرت محمد بن عبدا...، اسوه پاکدامنی، توجه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به شباهت فاطمه (سلام الله علیها) و مریم (سلام الله علیها)، رهایی مسلمانان به برکت سوره مریم:

سوره مریم در سالهای آغازین ظهور اسلام، سبب نجات مهاجران مسلمان گردید. یکی از مورخان در این باره می نویسد: آزار و شکنجه بیش از حد کفار نسبت به مسلمانان صدر اسلام، سبب شد که پیامبر اکرم به فکر هجرت از مکه بیفتد. به همین جهت، اولین گروه از مسلمانان در سال پنجم بعثت به دستور آن حضرت به کشور حبشه هجرت کردند. سرپرستی مسلمانان مهاجر به عهده "جعفر بن ابی طالب" بود. این شخصیت بعدها به "جعفر طیار" شهرت یافت. این جمعیت ستمدیده با چشمانی اشکبار از وطن خویش (مکه (به دیار مسیحی مذهب یعنی) حبشه (رفته، در آن جا به "نجاشی"، حاکم عادل آن دیار پناهنده سیاسی شدند. تلاش دشمنان اسلام برای قانع کردن "نجاشی" - نسبت به پناه ندادن به مسلمانان مهاجر- پس از شنیدن آیاتی از سوره مریم در قرآن از زبان "جعفر بن ابی طالب"، به ویژه در خصوص حضرت مریم و فرزندش حضرت عیسی به صدق گفتار یاران رسول الله پی برده و نماینده مشرکین با دست خالی از سرزمین حبشه به سوی مکه بازگشت و توطئه

ص: ۷۵

آنان نقش بر آب شد و زمامدار مسیحیان، ضمن اظهار علاقه به مهاجرین مسلمان، تسهیلات مناسبی برای آنان فراهم کردند و در انجام عبادات آنه‌ها را آزاد گذاشتند.

... شباهت‌های حضرت مریم (سلام الله علیها) و عیسی (سلام الله علیه) (و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و قرآن کریم.

۷ بخش هفتم: حضرت آمنه (سلام الله علیها)، آغوش امین

نویسنده: محمد اصغری نژاد

این بخش شامل عناوین ذیل می‌باشد:

پیشگفتار، نسب حضرت آمنه (سلام الله علیها)، دین و آیین حضرت آمنه، ازدواج، فراق زودرس، مرثیه حضرت آمنه (سلام الله علیها)، ولادت و زادگاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، زمان فراغت از حمل، طرح یک اشکال، پاسخ اشکال، روز و لحظه ولادت، حامل نور، بهترین رویشگاه، اوصاف پسندیده، فصل شکفتن، عظمت حضرت آمنه، مورد عنایت خاص علوی، شهادت بر توحید و رسالت و ولایت، ابواء؛ خاستگاه و معراج حضرت آمنه، آخرین اشعار و گفتار، عزداری در کنار مزار مادر، السلام علی امّک آمنه بنت وهب.

۸ بخش هشتم: حضرت خدیجه شکوه زندگی

ص: ۷۶

نویسنده: محمدتقی کمالی

این بخش کتاب شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدم ه مؤلف، اهمیت بررسی زندگانی حضرت خدیجه ه کبری ج پدر و مادر) الف: پدر، ب: پسر عمو (پناهگاه امن، گوشه ای از ثروت خدیجه، قبل از ازدواج با محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، آشنایی حضرت خدیجه با محمد امین، در آرزوی همسری محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، وساطت نفیسه، خواستگاری، شکوه زندگی، تجلی اعظم، ورقه بن نوفل و ماجرای غار حراء، آغاز راه و همگامی های جانبازانه، محاصره اقتصادی قریش، عام الحزن یا سال غم ها و دردها، جای خالی خدیجه در زندگی پیامبر، فرزندان خدیجه (سلام الله علیها): الف (پسران ب (دختران، اراده خداوند، نگاهی به زندگی دختران خدیجه (سلام الله علیها) و محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)،

ازدواج امّ کلثوم با عثمان:

ام کلثوم پس از ازدواج با عثمان حدود شش سال با وی روزگار گذرانند، ولی رفتار خشن و بی رحمانه عثمان با ام کلثوم موجب شکسته شدن پهلوها و سرانجام مرگ ناگوارش در شعبان سال دهم) نه م (هجری شد.

۹ بخش نهم: امّ سلمه همسفر خورشید

نویسنده: سید حسن احمدی نژاد بلخی

این بخش نیز شامل عناوین ذیل می باشد:

امّ سلمه، بازماندگان، شرح هجرت از زبان امّ سلمه،

ص: ۷۷

اعجاز قرآن، اسقف‌ها گریستند!، شگرد عمر و عاص، امّ سلمه در سوگ همسرش (ابوسلمه)، مراسم عروسی امّ سلمه با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، مهریه، آفتاب در حجاب، خان ه جدید، کانون عاطفه، نزول آیه تطهیر، امّ سلمه پیرو امامت، امّ سلمه در خلوت نجوای پیامبر و علی (علیهما السلام)، امّ سلمه و فتوحات صدر اسلام، نقش امّ سلمه در صلح حدیبیه، امّ سلمه و جنگ خیبر، امّ سلمه در جنگ طائف، امّ سلمه در خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، امّ سلمه و استکبار، برخورد امّ سلمه با طراحان سقیفه، ام سلمه شاهد حادثه فدک، موضع گیری مقابل خلیفه دوم، نصیحت به عثمان، عیادت امّ سلمه از حضرت زهرا (سلام الله علیها)، شمعی که خاموش شد، تلاش برای خاموش کردن فتنه جمل، دعوت عایشه از امّ سلمه، پیام طلحه و زبیر به امّ سلمه، گریه امّ سلمه، پاسخ عایشه به امّ سلمه، آخرین اتمام حجت امّ سلمه با ناکثان، اشعار امّ سلمه درباره عایشه، پایان دفتر بلواگران،

خاطرات ام سلمه:

یاری از آنه ا در مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) است که در طول سالهای زندگی با پیامبر خاطراتی ماندگار دارد که برخی از آنها در این قسمت از کتاب آمده است.

۱- هشدار رسول خدا (ص) به عایشه؛ امّ سلمه می گوید یکی از سالها همراه پیامبر، به خانه خدا مشرف

ص: ۷۸

شدیم. حضرت هر شب طبق معمول به یکی از چادرهای همسرانش می رفت و در آنجا بیتوته می کرد.

شبی حضرت در خیمه عایشه با علی نشسته بودند و صحبت می کردند؛ در این هنگام عایشه وارد خیمه من شد و از طولانی شدن سخنان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (ع) شکوه کرد و گفت: من اکنون رفته و علی را می آزارم. محفل انس آنان را به هم خواهم زد. زیرا او همیشه مزاحم خلوت من با پیامبر است؛ هر چند او را اندرز دادم، سودی نبخشید، از جا برخاست و به طرف خیمه خود رفت؛ لحظه ای سپری نشده بود که با آه و ناله برگشت. پرسیدم قضیه از چه قرار است؟ گفت سخنان تندی با علی گفتم، پیامبر خطاب به من فرمود:

«عایشه، هشدار! که میان من و علی فاصله نینداز، سوگند به خداوند علی را دوست ندارد، مگر مومن و دشمن نمی دارد، مگر منافق»

۲- شوق دیدار علی، ۳- خاطره ای از ابولبابه، ۴ شکسته شدن استخوانه ای مرحب، ۵- فریاد چوب ها ۶- روز وداع پیامبر، ۷- خاطراتی از آفتاب کربلا، ۸- در سوگ آفتاب، ۹- آفتاب دانش ام سلمه ۱۰- شاگردان مکتب ام سلمه

۱۱- روایات ام سلمه: این بانوی گرانقدر روایاتی را از رسول خداوند ذکر کرده که بیشتر در کتب و منابع اهل سنت آمده است و تعدادی از آنه ا هم در منابع فقهی و اخلاقی شیعیان آمده است؛ مجموع آمار از احادیث

ص: ۷۹

وی را ۳۷۸ روایت ذکر کرده اند؛

۱- ترتیل در قرآن ۲- تربت فاطمه، ۳- اهمیت روزه، ۴- حضرت مهدی (عج)، ۵- نه ی از فضل فروشی، ۶- کراهت بریدن نان،
۷- ادب غذا خوردن ۸- فوائد حجامت، ۹- دعا هنگام نماز، ۱۰- بهداشت دهان و دندان،

۱۱- بدترین زن: از ام سلمه نقل شده است که رسول اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

«بدترین زنه نزد من زنی است که از خانه خارج شود و عفت خود را لگه دار نماید و از شوهرش شکایت کند»

۱۲- ادب در سوگواری- ۱۳- رضایت همسر- ۱۴- حرمت مسجد- ۱۵- محبت علی (ع)، ۱۶- حفظ حجاب ۱۷- ادب درخواستن

۱۸- آرامش دل:

ام سلمه گوید: دیدم؛ پیامبر عزیز، دست نیاز به سوی پروردگار بی نیاز بلند می کرد و این جملات زیبا را بسیار تکرار می کرد:

«يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»

به حضرت عرض کردم: دعایی به من بیاموز تا برای نفسم آمرزش و طلب مغفرت کنم. حضرت فرمودند بگو:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَذْهِبْ غَيْظَ قَلْبِي وَأَجِرْنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ»

«خدایا گناهان مرا ببامرز؛ کدورت نفاق را از قلبم بزدا و مرا از افتادن به دام فتنه ها در امان دار».

ص: ۸۰

۱۹- پیرویان بهشتی، ۲۰- فضایل علی (ع)؛ آرامگاه ام سلمه، مزار بی چراغ

۱۰ بخش دهم: فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع)

نویسنده: مصطفی محمدی اهوازی

این بخش شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدمه مؤلف، طلوع ماه: قبل از بعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، عرب جاهلی، طوق بندگی شیطان را بر گردن خود آویخته بود، به گونه ای که بر قتل و غارت و زنده به گور کردن دختران خود، سبقت می گرفتند و حتی بر تعداد قبور مردگان خود بر یکدیگر فخر می ورزیدند، و شیطان نیز این اعمال وحشیانه را نزد آنان چنان زیبا ترسیم می نمود که حتی برای لحظه ای نیز احتمال اشتباه بودن افکار خود را نمی دادند. آن زمان که افکار و عقاید باطل و خرافه، چون ابرهای سیاه و تار، جلو درخشندگی فطرت پاک خداپرستی انسان را گرفته بود، در یکی از خانواده های الهی از نسل "ابراهیم خلیل" جوانی زندگی می کرد به نام "اسد"، که نام پدر بزرگوارش «هاشم» بود "اسد" با دختری از خانواده با اصالت و اصیل که از نسل پیامبر بود، برای همسری انتخاب کرد ج به نام "عاتکه" ج مراسم ازدواج این دو ۶۰ سال قبل از هجرت پیامبر، ثبت شده است. از این زوج، یعنی "عاتکه" و "اسد" دختری به دنیا آمد، که نام او را "فاطمه" نامیدند؛ و بعدها به فاطمه بنت اسد معروف شد که درباره فضیلت و کمال ایشان چنین می

نویسند: «فاطمه بنت اسد»، زنی نیکو سیرت و دانا و بینا به امور آخرت و عاقله و هوشمند و با کمال عفت و شرافت بود.

"فاطمه بنت اسد،" پیرو مذهب حنیف ابراهیم خلیل (ع) بوده و حتی قبل از اسلام هم، هرگز خود را به شرک و بت پرستی نیالود.

آری به طور قطع و یقین "فاطمه بنت اسد" قبل از بعثت مقدس پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) هرگز روح پاک و فطرت توحیدی خود را به بت پرستی نیالود. دلیل بر این مطلب، مناجات اعجاب برانگیز ایشان در کنار کعبه هنگام وضع حمل حضرت علی (ع)، آن هم در زمانی که طبقه روشنفکر عرب جاهلی ماه و ستاره می پرستیدند، می باشد.

پیوند مبارک: در یکی از روزهای گرم شهر مکه برای فاطمه، به وقوع پیوست و آن چیزی نبود جز، خواستگاری از ایشان توسط جوانی پاک و موحد به نام "ابوطالب؛" خیلی زود بعد از طی شدن مراحل مقدماتی، این کار خیر با هماهنگی پدر دختر (اسد) انجام گرفت و فاطمه بنت اسد را به عقد ابوطالب در آمد.

معرفی اجمالی ابوطالب: ابوطالب عموی پیامبر در جزیره العرب، خانواده دیگری که ایشان نیز پیرو آیین ابراهیمی بودند، زندگی می کردند که نسلشان به حضرت ابراهیم برمی گشت ج مرد این خانواده "عبدالمطلب" نام داشت که دارای ده پسر بود که از

ص: ۸۲

جمله آنه ابوطالب) پدر امام علی (و عبدالله) پدر پیامبر (از یک مادر بودند.

سائر عناوین نیز به ترتیب ذیل است:

سرپرستی ابوطالب، دفاع از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، توجه به پیامبر، رویای صادق، عقیل، جعفر بن ابوطالب، علی بن ابیطالب، ام هانی، تابندگی، فاطمه در قرآن، حرام شدن آتش،

راوی نور: این بانوی بزرگ اسلام، از حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ۴۶ حدیث روایت کرده است؛ که به یک روایت از ایشان اکتفاء می کنیم؛ قطب راوندی در کتاب خرائج از فاطمه بنت اسد روایت می کند:

هنگامی که وفات عبدالمطلب فرا رسید، فرزندان خود را نزد خود آورده به آنه اگفت: کدامیک از شما از محمد سرپرستی کرده و کفالت او را بر عهده می گیرد.

عبدالمطلب که متوجه شد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، ابوطالب "را برگزیده است، رو به "ابوطالب کرد و گفت: ای "ابوطالب "من به امانت و دیانت تو به خوبی آگاه هستم، تو باید به همان گونه از محمد کفالت و سرپرستی نمایی که من می کردم و بعد از مدتی "عبدالمطلب "از دنیا رفت و "ابوطالب، "محمد را به خانه آورد و من نیز خدمتکاری او را انجام می دادم و او مرا به نام «مادر» صدا می زد.

صالحه مرضیه، امتحان دیگر، پیشتاز عشق، تولد نور، غروب ماه،

ص: ۸۳

غروب ماه: حضرت فاطمه بنت اسد، پس از سپری کردن زندگی پر بار و پر مشقت و پر افتخار، در یک روز غمبار حضرت علی (ع) را تنه‌ارها کرده به سوی معبود خویش شتافت، این بانوی گرامی بعد از ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا از دنیا رفت و بر اساس این نقل، وفات این بانوی مکرمه در سالهای سوم و چهارم هجری اتفاق افتاده است و در شهر مدینه مدفون گردید.

۱۱ بخش یازدهم: فضه همراز زهرا

نویسنده: محمد عابدی

که شامل عناوین ذیل می باشد:

"نوبه" در بستر تاریخ:

فضه در دامنه رشته کوههای سرخ و برافراشته "نوبه"، "در شرق آفریقا به دنیا آمده است.

فضه کیست؟

فضه صورتی گندم گون و نمکین داشت. گرم و شیرین سخن می گفت. درباره اینکه فضه چگونه به مدینه راه یافت، احتمال هایی وجود دارد؛

احتمال اول اینکه وی در جنگ به غنیمت گرفته شده است؛

احتمال دوم این است که وی هدیه زمامداران دیگر کشورها است. چون در آن زمان حتی از پادشاه روم، گاه هدایایی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرستادند. رابطه حضرت با پادشاه حبشه نیز که زمانی

ص: ۸۴

مهاجران را در کشور خود جای داده بود، مناسب بود.

ورود "فضه" به مدینه:

خانواده رسول خدا خصوصاً حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همچون سایر مهاجران و انصار در سالهای اول هجرت با سختی و رنج، امور خانه را اداره می کرد؛ تا آنجا که بر اساس روایتی دستان حضرت فاطمه و شانه های حضرت علی بر اثر کار زیاد زخم شده و پینه بسته بود. به همین خاطر از پیامبر تقاضای خادمه ای را کردند. روایت است که پیامبر، در جواب درخواست امام علی و حضرت زهرا فرمودند:

«نمی خواهم اجر و پاداش تو را با دادن خادمه ای از تو جدا کنم».

آنگاه فرمود:

«از چیزی با خبرتان می کنم که از خادم برایتان بهتر است؛ وقتی می خواهید بخواهید، سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه بار سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگویید»

بر اساس روایت دیگر پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) پس از شنیدن درخواست آنان، از خانه خارج شد. در همان حال آیه ای نازل شد؛

«آیا برای رسیدن به رحمت خدای خود که امیدش را داری از آنه ا روی برگرداندی! با آنه ا به نرمی سخن بگوی»

در پی نزول این آیه که به صراحت به رضایت الهی از

ص: ۸۵

تقاضای فاطمه (سلام الله علیها) تاکید می کرد، دل نگرانی رسول خدا (ص لی الله علیه وآله وسلم) نیز از نابودی اجر و ثواب تحمل سختی ها از بین رفت و این بار پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) با گشاده رویی به جمع اسیران آمد و بانویی از اهل سرزمین "نوبه" را برای همکاری با فاطمه برگزید و خود نام او را "فضه" نه اده به خانه فاطمه روانه ساخت.

خانه نور "فضه" برگزیده رسول خدا (ص لی الله علیه وآله وسلم) از چنین رویدادی بی اندازه خوشحال شد و با خوشحالی و خیالی آسوده، مسیر خانه فاطمه را در پیش گرفت و لحظه ای بعد خود را در خانه نور یافت؛ که با دیگر خانه ها فرق داشت.

دیگر موضوعات این بخش به قرار ذیل است:

مشارکت در خدمت، سبوس نان، درسی از علی (علیه السلام)، عدالت فاطمه (سلام الله علیها)، نوبت کار، حق انتخاب، فضّه ما، راز اجابت دعا، مقام نیکان، راز مقام نیکان، وعده غذای بهشتی، غروب ابدی، دوران انحراف، دستم را بگیر،

محرم کوثر: فاطمه (سلام الله علیها) پس از رحلت رسول خدا (ص لی الله علیه وآله وسلم) احساس تنه ای می کرد و بی وفایی مردم نسبت به توصیه های پیامبر، او را به شدت آزرده خاطر ساخته بود؛ در این شرایط بحرانی "فضه" از معدود محرمان وی بود. در این باره امام صادق (علیه السلام) می فرمود، امیرمؤمنان فرمود:

ص: ۸۶

«وقتی از مرقد پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) برگشتیم، فاطمه (سلام الله علیها) ناله ای کرد، به سویش رفتم و پرسیدم از چه شکوه می کنی! او از خوابی که دیده بود، مرا آگاه کرد و گفت: وقتی وفات کردم، کسی جز "ام سلمه"، "ام ایمن" و "فضه" و از مردها، دو پسر و "عباس"، "سلمان" و "عمّار" و "مقداد"، "ابوذر" و "حذیفه" مطلع نشوند و فقط شب، دفن شوم و محل قبرم را کسی نداند»

بر اساس این روایت، محرمان واقعی اسرار اهل بیت در این مقطع تاریخ روشن می شود و "فضه نوبیه" نیز یکی از آنه است.

ادامه سر فصلها:

روایت عشق و شهادت، خانواده و فرزندان، به سوی خانه دوست، مقام علمی فضه، حافظ قرآن، تبلیغ ولایت در ایام حج، با کاروان (شام) هجرت در عصر شب زدگان،

رحلت و مرقد: فروغ ستاره درخشان دیار نوبه، سرانجام بعد از دهها سال همراهی با اهل بیت (علیهم السلام)، رو به افول نه اد و به سرای باقی شتافت. پیکر "فضه" را بعد از وفات در قبرستان «باب الصغیر» دمشق به خاک سپردند و مرقد "فضه" کمی بالاتر از قبر "عبدالله" فرزند امام صادق (علیه السلام)، در انتهای غربی قبرستان قرار گرفته است.

۱۲ بخش دوازدهم: اسما، بنت عمیس، منادی

اشاره

ص: ۸۷

حدیث

نویسنده: عبدالرحیم اباذری

این بخش نیز شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدمه مولف،

تولد: تاریخ دقیقی از تولد ایشان در دست نیست. همین قدر معلوم است که وی در آستانه فروپاشی و انقراض دوران جاهلیت پا به عرصه وجود گذاشت. احادیثی از امام سجاد (علیه السلام) وجود دارد که نشان می دهد، اسماء هنگام تولد امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) در سال سوم و چهارم هجری در مدینه بوده است. وقتی نخستین فرزند زهرا (سلام الله علیها) به دنیا آمد، اسماء در آنجا حضور داشته و کودک را در پارچه زردی پیچیده و به خدمت پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) برد؛ اسماء " در این باره می گوید:

در این حال جبرئیل بر پیامبر نازل شد و درود و سلام خدا را به پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) رساند و از جانب خداوند متعال پیشنه اد کرد تا نام فرزندش را حسن گذارد. سال بعد وقتی فرزند دوم تولد یافت، بار دیگر پیامبر از من خواست تا کودک را نزد او ببرم و ایشان همان کار را تکرار کرد که در موقع تولد امام حسن (علیه السلام) انجام داده بود و به توصی ه خداوند نام او را حسین نه اد. آن گاه گریست و خبر از شهادت او در آینده داد. چون روز هفتم رسید، دوباره فرمود کودک را بیاورید. حسین را پیش پیامبر بردم، با او همان کرد که در روز هفتم با حسن انجام داده بود. آنگاه وی را در دامن

ص: ۸۸

گرفت و اشک از چشمانش سرازیر شد. گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد. این چه کاری است که می‌کنید؟ فرمود: «به فرزندم حسین گریه می‌کنم که او را گروه ستمگران به شهادت می‌رسانند».

ادامه موضوعات این بخش:

نسب، خواهران با ایمان، پرستوی مهاجر، به جای مادر، بیان پیامبر، شرکت در مراسم، هجرت دوم، شهادت جعفر، نوازش پیامبر، چشم زخم حسودان،

فرزندان اسماء و جعفر: اسماء در مدت زندگی با "جعفر بن ابی طالب"، دارای سه فرزند پسر شد. او آنه‌ها را چنان تربیت کرد که هر یک شخصیتی سرشناس شدند، ۱- "عبدالله بن جعفر؛" وی اولین نوزاد از مسلمانان است که در سرزمین حبشه به دنیا آمد. ۲- "محمد بن جعفر؛" وی از اصحاب حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) بود، که او با "ام کلثوم"، دختر حضرت، ازدواج کرد!

دومین همسر اسماء: پس از شهادت "جعفر طیار"، "اسماء بنت عمیس"، مدتی را به تنه‌ایی گذراند، او برای فرزندانش خود علاوه بر مادر، نقش پدری مهربان را نیز ایفا می‌کرد. امام علی (علیه السلام) در نظر داشت وی

ص: ۸۹

را به عقد خود درآورد؛ تا هم سرپرست و تربیت فرزندان برادرش را به عهده گیرد و هم "اسماء" را از تنه ایی رها سازد، ولی تا حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در قید حیات بود به پاس احترام ایشان، از این ازدواج صرف نظر کرد "ابوبکر بن ابی قحافه" خلیفه اول (، فرصت را غنیمت شمرد و از اسماء خواستگاری کرد؛ و او هم جواب مثبت داد.

ادامه موضوعات این بخش:

مژده پیامبر، ماجرای گردنبند، رحلت پیامبر، همراه با امیرالمؤمنین، دفاع از فدک، همراز فاطمه، اوج عفت، کافور بهشتی، آخرین دیدار، غسل مادر، در سرای علی، مولود میقات با مولود کعبه، فرزندان از امام علی (علیه السلام)، بازگشت خورشید،

حدیث غدیر "اسماء بنت عمیس" از جمله کسانی است که در آخرین سفر حج پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) شرکت داشت. او خود شاهد بود که وقتی حاجیان در هیجدهم ذیحجه به منطقه «غدیر خم» رسیدند، آی ه ۶۷ سوره مائده بر پیامبر نازل شد. در این هنگام پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) دستور داد تا کاروان توقف کنند، آنگاه به پا خاست، دست علی بن ابیطالب (علیه السلام) را گرفت و خطاب به مردم فرمود: «ای گروه مسلمانان آیا من ولی و سرپرست شما نیستم!»

همه یک صدا جواب دادند: بلی ای رسول خدا!!» این سؤال و جواب سه بار تکرار شد. سپس پیامبر

ص: ۹۰

فرمودند: «هر کس من مولا و سرپرست اویم، این علی، امام و رهبر اوست»

آنگاه رو به درگاه پروردگار نمود و عرض کرد:

«خدایا دوست بدار، آن کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کسی که علی را دشمن بدارد. یاری کن، آن کسی که علی را یاری کند و عزیز بدار، آن کس را که وی را عزیز بدارد».

موقعیت روایی "اسماء بنت عمیس"، یکی از راویان سخت کوش و مورد اعتماد همگان، در عصر خویش به شمار می آید. شخصیت های سرشناس شیعه و سنی، حدود پنجاه تا شصت حدیث از پیامبر بزرگ اسلام را از زبان این بانوی گرانقدر نقل کرده اند. که امروز این احادیث در کتب مختلف ثبت شده است.

در اینجا یک حدیث اخلاقی و تربیتی از ایشان می آوریم:

۱- عزا در شهادت شوهر "عبدالله بن شداد" از "اسماء" نقل می کند: وقتی "جعفر" در جنگ مته به شهادت رسید، پیامبر (ص لی الله علیه وآله وسلم) به منزل ما آمد و دست نوازش بر سر فرزندان "جعفر" کشید؛ سپس آنان را به من سپرد و فرمود: «ای "اسماء" سه روز در خانه بنشین، آرام گیر و عزا نگه دار، سپس هر چه خواستی انجام بده»

۱۳ بخش سیزدهم: فاطمه بنت الحسن؛ کوثر ثانی

اشاره

نویسنده: اسماعیل محمدی کرمانشاهی

ص: ۹۱

این بخش شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدمه، شناسنامه:

نامها: فاطمه، زینب؛

نام پدر: امام حسن مجتبی (علیه السلام)؛

نام همسر: امام سجاد (علیه السلام)؛

نام فرزندان: ۱- امام محمد باقر (علیه السلام)، ۲- عبدالله باهر ۳- حسن ۴- حسین؛

کنیه ها: امّ عبدالله، امّ الحسن، امّ عبده؛

القاب ایشان: صدیقه، آمنه، تقیه، مُحسنه؛

ویژگیهای ایشان: دختر، همسر و مادر امام و خواهر شهید از ویژگی های او می باشد. همچنین وی در کربلا حضور داشت و شاهد ظلمهایی بود که بر اهل بیت (علیهم السلام) می رفت.

ادامه عناوین:

در صحیفه نوشته بود! نامها، کنیه ها و القاب مادر امام محمد باقر (علیه السلام)، نیاکان و بستگان پاک، مادر امّ عبدالله، اسامی برادران و خواهران امّ عبدالله، عموهای امّ عبدالله، روزهای شادی، ازدواج خجسته، نگاهی گذرا به زندگی امام سجاد (علیه السلام)، نگاهی اجمالی به زندگی امام محمد باقر (علیه السلام)، عبدالله باهر،

فضایل و کرامات:

«ام عبدالله» مادر امام محمد باقر (علیه السلام) دارای

ص: ۹۲

کراماتی بود. کرامت در اصطلاح، امر خارق العاده ای است که خداوند جهت گرامیداشت دوستان خاص و خالص خویش به آنان اعطاء نموده، اما کرامت بزرگی که از این بانوی بزرگوار صادر شده است، شگفت انگیز و شنیدنی است. از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است:

«مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگاه دیوار شکاف برداشت و صدای مهیبی به گوش رسید، با دستش اشاره کرد و گفت نه، به حق مصطفی، خداوند به تو اجازه فرو افتادن ندهد، پس دیوار در هوا معلق ماند، مادرم کنار رفت و اجازه داد تا دیوار فرو ریخت. پدرم امام سجاد (علیه السلام) به سبب دفع این خطر، صد دینار صدقه داد.»

از عناوین دیگر این بخش: صدیقه،

برترین بانو در خاندان امام حسن (علیه السلام): این بانوی ارجمند، برگزیده زنان خاندان امام حسن (علیه السلام) است؛ یعنی در میان تمامی زنانی که منسوب به امام حسن (علیه السلام) هستند، دخترش امّ عبدالله بی مانند است و او از همه آنان با فضیلت تر بوده است.

ادامه دیگر سرفصلها:

بانوی نیکوکار، محدثه، خبر از آینده،

در نگاه شاعران: شاعران متعهد مسلمان، همواره اشعاری را در مدح و منقبت اهل بیت عصمت و

ص: ۹۳

طهارت) علیهم السلام) سروده اند، تا فضایل و کرامات و ویژگیهای آن بزرگواران را در قالب شعر برای مردم بیان کنند. این کار نیک شاعران از سوی معصومین (علیهم السلام) نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانکه در فضیلت شاعران احادیثی آمده است، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده:

«هر کس یک بیت شعر در حقّ ما بگوید، خدای متعال خانه ای در بهشت برای او بنا کند»

باقر علم نبی معصوم هفتم آنکه باشد

قوت قلب علی پور حسین آن شاه دلخون

مادر او فاطمه دخت حسن فرزند زهراء

به از این مادر و صد آفرین بر همچون خاتون

۱۴ بخش چهاردهم: امّ فروه، مادر امام صادق (علیه السلام)

اشاره

نویسنده: بهاء الدین قهرمانی نژاد

این قسمت شامل عنوانه ای ذیل می باشد:

دیباچه، پنجمین ستاره آسمان امامت،

خاندان امّ فروه: خاندان این بانوی گرامی، همگی از نیک کرداران روزگار بودند. وی در خانه یکی از یاران با وفا و اصحاب خاصّ امام زین العابدین (علیه السلام) یعنی قاسم بن محمد متولّد شد. به همین جهت وی را به نام فاطمه بنت القاسم می شناختند و پس از ازدواج با امام باقر (علیه السلام) وی معروف به امّ فروه شد.

ص: ۹۴

قاسم، فرزند محمد بن ابی بکر بود. مادر محمد بن ابی بکر نیز اسماء بنت عمیس بود.

اسماء بنت عمیس، محمد بن ابی بکر،

قاسم بن محمد بن ابی بکر: که پدر امّ فروه و از اصحاب و یاران با وفای امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) می باشد.

تولد ام فروه:

قاسم با دختر عمویش اسماء بنت عبدالرحمان ازدواج کرد. ثمره و برکات این زندگی نورانی تولد فرزندان بود که هر کدام در نوع خود منشأ خیر و برکت بودند اولین فرزند این خانواده دختر بود که او را فاطمه نامیدند. که او همان امّ فروه می باشد.

بخش های دیگر کتاب:

قاسم و دوران امامت حضرت سجاد (علیه السلام)، به سوی وصلتی بزرگ، عروسی پاکان، میلاد امام صادق (علیه السلام)، حوادثی از ایام کودکی امام صادق (علیه السلام)، نوگلی دیگر از بوستان امّ فروه،

امّ فروه از نگاه صادق آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم): امام صادق (علیه السلام) که مظهر صدق و راستگویی بوده و قوام فکری مکتب ناب اسلام و شیعه به سخنان آن معصوم است، در معرفی مادر بزرگوارش امّ فروه می فرماید:

«همانا مادرم امّ فروه از جمله زنانی بود که ایمان به حقایق هستی و یقین و باور والایی به آن داشت و از نیکوکاران والا مقامی بود که خداوند آن نیکوکرداران را دوست دارد»

گوشه‌هایی از فضائل امّ فروه، راوی نور: یکی از افتخارات مهمی که در طول دوران زندگی و حیات پربرکت این بانوی پرفیض نصیب وی شد، قرار گرفتن نام وی در فهرست راویان اخبار آل م حمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است. آن بزرگوار نه تنه ا روایت از شوهر بزرگوارش حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کرد، بلکه فرزند وی که اکثر روایات و احادیث گران سنگ شیعه به وی برمی گردد، یعنی حضرت صادق (علیه السلام) نیز از مادر خود روایت می نمود. روشن است که این مرتبت والا که به طور مسلم از قرار گرفتن در پرتو و شعاع نور دو امام معصوم سرچشمه می گرفت.

مقام فقاقت، وکالت از طرف امام معصوم، رحلت پدر امّ فروه، خاندان امّ فروه در خدمت اهداف امامان، ام فروه و امامت صادق اهل بیت (علیهم السلام)،

وکالت از طرف امام معصوم (علیه السلام)؛ امامان بزرگوار برای تسهیل ارتباط با مسلمانان که در تاریخ به شیعه مشهور هستند، روش های خاصی داشتند که یکی از این روش ها تعیین نماینده یا وکیل بود. در بین همسران جلیل القدر معصومین در چند مورد به این مقام عظیم دست یافتند که در بین ایشان ام فروه و

ص: ۹۶

عروش حمیده همسر امام صادق (علیه السلام) و مادر امام کاظم (علیه السلام) و کالت تامه در رسیدگی به امور زنان مدینه را عهده دار شدند. که این مسئله جدای از عظمت شأن ام فروه و علم بصیرت او به جزئیات شرع منور، حاکی از ارتباط ویژه او با همسرش و همچنین روایتگر روابط بسیار نورانی وی با عروش حمیده خاتون بوده است. از امام کاظم نقل شده که فرمود:

«همانا پدرم امام صادق (علیه السلام)، مادرم حمیده و مادر بزرگم ام فروه را برای پرداخت حقوق اهل مدینه و کالت داده بود»

۱۵ بخش پانزدهم: حمیده مصفاة مادر امام کاظم

(علیه السلام)

نویسنده: محمد اصغری نژاد

این بخش شامل عناوین ذیل می باشد:

مقدمه؛

اسامی، کنیه و القاب: در میان تاریخ نگاران اختلاف بسیاری در نام و نصب حضرت حمیده وجود دارد.

آنچه مسلم است این است که نام ایشان «حمیده» یا «حُمَیدَه» است. لقب ایشان «مصفاة» به معنی پاک و خالص و پیراسته است. این لقب را امام باقر (علیه السلام) زمانی که می خواست ایشان را به امام صادق (علیه السلام) هدیه کنند، انتخاب کرده و فرمودند:

«حمیده مصفاة منّ الادناس»

ص: ۹۷

«حمیده، از بدیها پاک شده است»

یا

«حمیده مصفاة من الأوجاس»

«حمیده از پلیدیها پاک شده است»

نسب شریف: نام پدرش «صاعد» و نام برادر ایشان «صالح» است.

حضرت حمیده خاتون از بهترین نژادهای غیر عرب و جزء اهالی بربر یا مغرب یا اندلس و یا روم بوده و ضمن جنگ یا حادثه ای دیگر اسیر گشته است. و با یک یا چند واسطه به دست امام باقر (علیه السلام) رسیده است.

پیوند دو نور الهی،

ماجرای ولایت امام کاظم: کانون زندگی حمیده خاتون را عشق و محبت الهی و دوستی اهل بیت عصمت و طهارت تشکیل می داد. حمیده خاتون دارای بهترین همسر در جهان هستی یعنی امام صادق (علیه السلام) بود. و در خدمت خاندان وحی و رئیس مذهب تشیع به سر می برد. او مادر امام کاظم (علیه السلام) می باشد.

سال ولادت امام کاظم (علیه السلام) سال ۱۲۸ هجری قمری که این ولادت فرخنده، مصادف با حکومت ستمگر معروف عبدالملک بن مروان بوده است.

شایسته ه کرامت الهی: حضرت حمیده خاتون به واسطه آن که فرشتگان الهی او را حفاظت می کردند به درجه ای از تکامل روحی رسیده بود که خداوند او را لایق همسر و مادری امام معصوم دانست و این کرامتی

ص: ۹۸

بسیار بزرگ است.

فقیه آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، راوی انوار صادقی (علیه السلام)، کوثر،

فرزندان: حضرت حمیده خاتون چهار فرزند از امام جعفر صادق (علیه السلام) به دنیا آورد: امام کاظم (علیه السلام)، اسحاق، محمد و فاطمه کبری.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): بهترین فضیلت حضرت حمیده خاتون، امام موسی بن جعفر (علیه السلام) است که از دامان پاک ایشان پا به عرصه وجود نه‌اد.

۱۶ بخش شانزدهم: سیده نفیسه؛ شکوفه ای در گلستان عترت

نویسنده: غلامرضا گلی زواره.

عناوین این بخش عبارتند از:

خاندان و خانواده، نوید پر امید، دوران صباوت، پیوندی پر بار، همسری محدث و وارسته، وصف وارستگی، علت هجرت، در سرزمین بیت المقدس، میهمان مصریان، بارقه های با برکت: سیده نفیسه که از نوادگان امام حسن (علیه السلام) بود، بر اثر پرهیزگای، اطاعت از حق و تزکیه درونی به ارتقای روحی و معنوی دست یافته بود. ارمغان این توفیق نوری بود که بر صفحه دل و ذهنش تابیدن گرفت و این ویژگی موجب شکوفایی استعدادهای عالی وی گشت و اعماق

ص: ۹۹

وجودش را فضیلت بخشید و بر علم و بصیرتش افزود.

در علم حدیث و تفسیر قرآن تبخّر یافت و از علم الهامی بهره مند شد. از این جهت مورّخان و تاریخ نگاران وی را به دانش، فصاحت بیان و طاقت لسان ستوده اند و سیده نفیسه را در زمره عالمان و فقیهان برشمرده اند.

اوج عروج: این بانو از لذائذ دنیوی کناره گیری نمود و به اندک غذا و حقوقی مختصر اکتفا کرد. ضمن آن که بر اثر عبادت و تزکیه هر روز بر نیروی معنوی و صلابت روحی او افزوده می گشت. به موازات این اعتلای روحانی به مرور ایام، نحیف و لاغر گشت و سلامتی بدنی او دچار تهدید گردید و در شب جمعه مصادف با اول ماه رمضان ۲۰۸ هجری بیماری او شدت گرفت. و بر اثر این بیماری رحلت کردند و پیکر آن بانوی زاهد و پرهیزگار در خانه اش واقع در درب السباع مصر دفن گردید.

۱۷ بخش هفدهم: نرگس؛ همدم خورشید

اشاره

نویسنده: محمد باقر پورامینی

این بخش دارای عناوین ذیل می باشد:

مقدمه مولف، شهره شهر، شمع شمعون، سور و سوگ، روایت رویا، دربند دل، سفیر سامراء،

آستان آشنا: بشر بن سلیمان که از طرف پیشوای دهم، امام هادی (علیه السلام) مأموریت داشت، دختر

ص: ۱۰۰

رومی که خود را نرگس معرفی کرده بود و در بین کنیزان قرار داشت را خریداری کرده و همراه خود به سامراء آورده و آن بانوی گرامی را تحویل منزل امام هادی (علیه السلام) داد. امام هادی (علیه السلام) ضمن خوشامدگویی به «نرگس» با او به گفتگو پرداخت و فرمودند:

«خداوند عزت و سربلندی اسلام و ذلت و منکوبی نصرانیت و شرافت اهل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را چگونه به تو نشان داد؟»

حضرت نرگس خاتون جواب داد: «یابن رسول الله چگونه توصیف کنم در حالیکه شما نسبت به این امر از من آگاهتر هستید!»
حضرت فرمودند:

«تو را فرزندی بشارت می دهم که مالک شرق و غرب جهان خواهد شد و زمین را اکنده از عدل و داد خواهد کرد، آن هنگام که از ظلم و جور پر شده باشد.»

حسن حسن، سرور سوسن،

نور نرگس: روز چهاردهم شعبان ۲۵۵ هجری قمری بود که امام هادی از خواهرش خواست تا در منزل آنه ا بماند، چرا آن شب مولود و منجی بشریت با تولد خود جهان را منور می کرد. حکیمه خاتون پرسید: آقای من از چه کسی؟ حضرت جواب داد:

«از نرگس خاتون»

حکیمه به طرف حضرت نرگس (سلام الله علیها) رفت و او را از پشت سر در آغوش گرفت و بوسید. اما اثر

ص: ۱۰۱

حملی در وی ندید! آنگاه نزد برادر زاده برگشت و کاری را که انجام داده بود به حضرت گفت: امام تسمی کرده و فرمود:

«هنگام دمیدن سپیده صبح، برای تو آشکار می شود، زیرا مثال مادر موسی است که آثار حمل او آشکار نبود و هیچ کس تا هنگام تولد اطلاع نداشت، زیرا فرعون در جستجوی حضرت موسی شکم زنان حامله را می شکافت و فرزندم مانند موسی است. در ادامه به ولادت مهدی (علیه السلام) اشاره می کند: لحظه ای که هاله ای از نور بین حکیمه و حضرت نرگس (سلام الله علیها) فاصله شد و سپس حکیمه به خود آمد و آن منظره دل انگیز (سجده مهدی «علیه السلام») را مشاهده کرد: «نوری خیره کننده در جبین نرگس دیدم و در کنارش کودکی رو به قبله، سر به سجده گذاشته بود»

راحت ریحانه: حضرت ریحانه «نرگس» با شنیدن شهادت امام حسن عسکری و دوران غیبت فرزند، رضا نداد و در دل آرزوی مرگ کرد. و «راحت ریحانه» را در رهایی از قفس دنیا دید و از خدایش آن را طلب نمود.

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد***هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد

پیکر سوسن آل محمد (صلی الله علیه وآله و آله وسلم) در کنار مرقده امام هادی (علیه السلام) به خاک سپرده شد. در این مکان شریف به سال ۲۶۰ ق پیکر مطهر پیشوای یازدهم امام حسن عسکری (علیه السلام) و سپس بدن حکیمه خاتون مدفون گشتند. در طول تاریخ

ص: ۱۰۲

این بارگاه زرین، مأمن و پناه دلدادگان و مشتاقان اهل بیت (علیهم السلام) و منتظران مصلح کل، قائم آل محمد) عجل الله تعالی فرجه الشریف (گرید به امید زیارت مزار ستارگان سامرا. (۱) ۱۳۹۳/۰۸/۲۸

مصادر و منابع بیواسطه و باواسطه کتاب

۱- آل البيت النبى فى مصر، احمد ابو كهف.

۱- تاریخ چاپ: ۱۳۸۷ ناشر: نورالسجاد (ع) موضوع کتاب: مذهبی نوع کتاب: کتابهای عمومی گزارش کتاب "بانوان نمونه" قسمت اول) کتاب حاضر که دارای هفده بخش مجزا در معرفی هفده بانوی نمونه ادیان آسمانی است، به همت پژوهشگر باقر العلوم (علیه السلام) توسط گروهی از مؤلفان زبردست به رشته تحریر درآمده و در ۳۰۰۰ نسخه به سال ۱۳۸۷ برای اولین بار توسط انتشارات نور السجاد چاپ و منتشر شد.

ص: ۱۰۳

- ۲- التحفه الانسیه من م آثر النفیسه.
- ۳- المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الاثار،
- ۴- الدر المنثور، طبقات رابب الخدور، زینب بنت یوسف نواز عاملی،
- ۵- السیده النفیسه، هجویری،
- ۶- الدرہ النفیسه فی ترجمه السیده نفیسه،
- ۷- المواعظ و الاعتبار، تقی الدین عبیدی،.
- ۸- الفهرست ابن ندیم،
- ۹- الکواکب السیاره فی تربت الزیاره، ابن زیات،
- ۱۰- النساء المومنات)
- ۱۱- المواعظ و الاعتبار،
- ۱۲- اسعاف الراغبین الشیخ محمّد الصبان
- ۱۳- السیده النفیسه، توفیق ابوعلم،
- ۱۴- اعلام النساء المومنات
- ۱۵- اعیان الشیعه، سید محسن امین قدس سره
- ۱۶- تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانه ای حکومتگر،.
- ۱۷- تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ذهبی
- ۱۸- تتمه المنتهی،
- ۱۹- دانشنامه جهان اسلام، ذیل بنی زهره.
- ۲۰- درر الاصداف
- ۲۱- حسن المحاضر، یاقوت حموی،

۲۲- جغرافی دان مسلمان در کتاب «معجم البلدان»

۲۳- خیران حسان، اعتماد السطنه،

۲۴- روح و ریحان

۲۵- ریاحین الشریعه،

۲۶- ریاض الانساب)

ص: ۱۰۴

۲۷- زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع)، عمادزاده،

۲۸- زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه السلام

۲۹- سراج الانساب

۳۰- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، علامه مجلسی،

۳۱- سر السلسله العلویه،

۳۲- شیعه در مصر، صالح الوردانی،

۳۳- شذرات الذهب، حنبلی دمشقی،

۳۴- عبدالعظیم حیاته و مسنده،

۳۵- عمده الطالب،

۳۶- کشف المحجوب،

۳۷- گوهر خاندان امامت،

۳۸- گنبدها و مناره های مصر، کاترین مایور ژاوان، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مجله مشکوه، شماره ۳۹- مساجد مصر و اولیاء

الصالحون، دکتر سعاد ماهر محمد، ج ۱،

۴۰- مشاهد العترة الطاهرت)

۴۱- مجله مشکوه، شماره.

۴۲- مجله زائر، شماره

۴۳- ملکوت قرآن، علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی،

۴۴- مصر از زاویه ای دیگر، جمیله کدیور،

۴۵- منتهی الامال، شیخ عباس قمی،

۴۶- منتخب التواریخ، حاج محمد هاشم خراسانی

۴۷- مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی،

۴۸- مرآت الجنان یافعی یمنی

۴۹- مساجد مصر و اولیاء الصالحون،

۵۰- مساجد مصر و اولیاءهم الطاهر، سعاد ماهر،

ص: ۱۰۵

۵۱- مشاهد العتره الطاهره و اعیان الصحابه و التابعین، سید عبدالرزاق کمونه الحسین،

۵۲- معجم البلدان، یاقوت حموی،

۵۳- ناسخ التواریخ، میرزا تقی سپهر،

۵۴- نورالابصار، فی مناقب آل البيت النبى المختار، سید مومن بن حسن بن مومن الشبلنجی؛ مأثرالتفیسه

۵۵- نور ملکوت قرآن، علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی،

۵۶- وسائل الشیعه،.

۵۷- وفيات الاعیان)

۵۸- یکی از هزاران، سید محمد ناظمیان،

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

